

به نام خدا

روبه صفتان
(آخوند، موجودی که از نو باید شناخت)

نویسنده :
علی حسین امیری

1	مقدمه
2	شهادت ثلاثه در اذان
3	عزاداری و نوحه سرایی
4	قمه زنی
5	رتباط با امام زمان
6	ایجاد وحدت
7	واسطه ها در دعا
8	چپ روی از قرآن
9	گذاشتن مهر در نماز
10	خوارج
11	حمل امام
12	خاتمیت
13	تکفیر
14	حی و سی است
15	سخنان و وعده های رهبران و مراجع
16	عصمت ولی فقیه و مراجع تقلید
17	حکومت و سی است
18	خرافات و بدعت
19	حج خانه خدا
20	تخریف قرآن
21	تقیه
22	مسیحیت و یهودیت
23	تقلید یا تحقیق؟
24	خاتمه

در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود».

خوش بود گر محک تجربه آید به میان
شود هر که در او غش باشد

واعظان کین جلوه در محراب و منبر می‌کنند
خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند
مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس توبه
فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند؟

جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز
در این خیال که اکسیر می‌کنند
می‌خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب
نیک بنگری همه تزویر می‌کنند

صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد

بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه
عرض شعبده با اهل راز کرد

ترسم که روز حشر عنان بر عنان رود
تسبیح شیخ و خرقة پیر شراجوار

(حافظ)

مقدمه

سلام و درود بر پیامبر اسلام و خاندان پاکش و اصحاب
گرانقدرش.

آخوند، موجودی که از نو باید شناخت، در مطالبی که
پیش رو دارید به بررسی یکی دیگر از ویژگی‌های مه
آخوندها و مراجع گمراه شیعه می‌پردازیم، یعنی: روبه
صفتی.

یعنی: به بررسی روبه صفتی یا همان نفاق، دورویی و
حقه‌بازی در مذهب تشیع (تشیع صفوی، غلات و روافض)
می‌پردازیم، و طی آن مسائلی را ذکر می‌کنیم که با وجود
اشتباه بودن آنها و با اینکه خود آخوندهای شیعه به این

اشتباهات معترفند و چنین عقایدی را قبول ندارند، ولی باز می‌بینیم که براحتی آنها را انجام می‌دهند. بخاطر اینکه این علما و آخوندهای گمراه به هیچ وجه نمی‌توانند برای این اشتباهات دلیلی بتر اشند و آنها را صحیح جلوه دهند و به همین خاطر به هنگام بحث پیرامون آنها، فوری و از همان ابتدا می‌گویند: ما این عقاید را قبول نداریم، چون می‌دانند که اگر بخواهند بر این عقاید پافشاری کنند راه به جایی نمی‌برند و اینها عقایدی اشتباهند و خود روحانیون نیز این را می‌دانند، ولی باز مشاهده می‌کنی که با دو رویی و حقه‌بازی فراوانی این عقاید را اجرا می‌کنند و فقط در کتب و محافل علمی آنها را رد می‌کنند.

خواننده گرامی باید بداند که مطالب مندرج در کتب دینی مسئله‌ای جداست، و عقاید موجود در بطن جامعه چیزی دیگر است، در واقع این اعمال و رفتار در حال انجام است و در یک جامعه می‌تواند ملاک عقاید مردم آن باشد، وگرنه در کتابها خیلی چیزها نوشته اند اما عمل کردن یا نکردن به آنها مهم است. چنانچه من بیایم و کتابی بنویسم و در آن دائماً بگویم: دروغ نگوئید، ولی از آن طرف و در توده مردم دروغ را امری عادی جلوه دهم و خودم هم دائم دروغ بگویم، در این هنگام نوشته‌های کتب من چه ارزشی دارد؟ در اینجا بعضی از این عقاید را بیان می‌کنیم تا به منافق بودن دکانداران مذهبی پی‌بری‌د.

شهادت ثلاثه در اذان

اگر شما رسائل مراجع تقلید را خوانده باشید می‌بینید که در قسمت مربوط به اذان نوشته اند: جمله «أشهد أن علیاً ولی الله وأشهد أن علیاً حجة الله» جزء اذان نیست، و معتقدند که این جمله از باب تبرک و تیمن گفته می‌شود، نه به نیت اذان. همینطور بقیة مراجع شیعه این جمله را جزء اذان نمی‌دانند، و البته نمی‌توانند در مورد آن پافشاری کنند، چون مشخص است که در زمان پیامبر ص، بلال یا اصحاب دیگر چنین جمله ای را نمی‌گفته اند، و این جمله بعدها وارد اذان شده و بدعت است، چون بعد از پیامبر ص ایجاد شده و هر چه در زمان پیامبر ص بوده سنت است، و هر چیز بعداً ایجاد شده، بدعت است، و این مورد پیرامون شرع و دین اسلام است، و بنابراین بدعت در دین می‌شود.

بخاطر همین نیز آخوندها در مورد آن بحثی نمی کنند و می گویند: این جمله جزء اذان نیست، و فقط از باب تبرک و تیمن می گوئیم، و به نیت اذان نمی گوئیم!!
ما نمی دانیم از چه زمان بدعتها متبرک شده اند؟! و در نیت ما دخالت دارند؟

از همه مهمتر این که در کتاب من لا یحضره الفقیه نوشته شیخ صدوق که از علمای معروف شیعه است، این جمله را بدعت دانسته و گویندگان آنرا لعن کرده است. و توجه داشته باشید کتاب من لا یحضره الفقیه جزء چهار کتاب اصلی شیعیان پس از قرآن است¹. پس در این کتاب نیز از گفتن این جمله منع شده و اما روبه صفتی آخوندها: شما خواننده گرامی تا به حال در کدامیک از اذان هایی که در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود شنیده اید که این جمله گفته نشود؟! و من می خواهم بدانم این اذانی که از رادیو و تلویزیون پخش می شود به چه نیتی است؟ آیا چیزی غیر از اعلام و خبر برای رفتن بسوی نماز است؟! پس در واقع همان اذان است، و به نیت اذان و نماز خواندن است نه چیزی دیگر.

در تمامی اذان ها بدون استثناء این جمله گفته می شود و به جرات می توان گفت که هیچیک از اشخاص مؤذن از این موضوع اطلاعی ندارد، و نمی داند که این جمله بدعت است، و البته نمی گذارند که بدانند و یا چنانچه متوجه هم بشوند، اعتنایی به صحبت شما نخواهند کرد، و کار خود را ادامه می دهند، و یا برای تحقیق نزد آخوند مسجد می روند تا با ترفندی سرشان را کلاه بگذارد.
پس این عقیده علمای شیعه مبني بر اینکه ما این جمله را جزء اذان نمی دانیم چیزی جز دروغ، دورویی، نفاق و حقه بازی نیست، چون در عمل و از ته دل آنرا به اجرا می گذارند.

عزاداری و نوحه سرایی

1 - قال رسول الله ص: «النِّاحَةُ مِنْ عَمَلِ الْجَاهِلِيَّةِ». (من لا یحضره الفقیه - شیخ صدوق - جزء 4) پیامبر خدا فرمود: «نوحه خوانی از کارهای دوران جاهلیت است».

2 - قال رسول الله ص: «لَيْسَ مِنْ أَمْرِ ضَرْبِ الْخُدُودِ وَشَقِّ الْجُيُوبِ». (مسکن الفواد - شهید ثانی) پیامبر خدا فرمود: «از ما نیستند کسانی که

¹ کتب اربعه شیعه عبارتند از: کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار.

(به هنگام مصیبت) برگونه‌ها بزنند و گریبانها پاره کنند».

3 - قال رسول الله ص: «ضَرَبُ الْمُسْلِمِ بِيَدِهِ عَلَى فَخِّهِ عَنِ الْمُصْرِيَّةِ إِحْبَاطُ لَأَجْرِهِ». (فروع کافی) پیامبر خدا فرمود: «مسلمان به هنگام مصیبت چون با دست خویش بران خود بکوبد مزدش نابود می‌شود».

4 - قال رسول الله : «لَعَنَ اللَّهُ الْخَامِثَةَ وَجَهَهَا وَالشَّاقَّةَ جَبِيْهَا وَالذَّاعِيَةَ بِالْوَيْلِ وَالْثُبُّورَ ». (مسکن الفواد) پیامبر خدا فرمود: «خدا لعنت کند زنی را که چهره اش را در مصیبت بخراشد و گریبانش بدرد و فغان و واویلا بگوید».

5 - در کتاب مسکن الفواد از ام سلمه روایت می‌کند: «هنگامی که ابوسلمه (شوهر اولش) از دنیا رفت من با خود گفتم: در این سرزمین من به این مصیبت گرفتار شدم گریه و عزاداری برای او برپا کنم. اتفاقاً زنی که نوحه‌گر بود هم بر من وارد شد و می‌خواست مرا در آن مصیبت کمک کند ز پیامبر اکرم ص فرمود: آیا می‌خواهید دوباره شیطان را که خدایتعالی از این خانه بیرون رانده است برگردانید؟!».

6 - در صفحه 56 کتاب مسکن الفواد از یوسف بن عبدالله بن سلام نقل کرده که پیامبر اکرم ص هر وقت شدت و مصیبتی بر خانواده اش وارد می‌شد ایشان را امر می‌کرد به نماز خواندن، و این آیه را قرائت می‌کرد: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ صَمٌّ ۝ سَمٌّ ۝ مُبْصِرٌ ۝ مُبْصِرٌ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ لَهُ الْإِثْمَانُ الْعِزَّةُ ۝ اللَّهُ يَوْمَ الظُّلُمَاتِ ۝ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۝ اللَّهُ يَخْتَارُ ۝﴾ (طه / 132) «امر کن خانواده ات را به نماز و صبر را در باره آن بنیذیر».

7 - شیخ مفید در کتاب ارشاد جلد 2 صفحه 97 آورده که امام حسین به خواهرش زینب (س) فرمود: ای خواهر جان، من تو را سوگند دادم و تو به سوگند من وفادار باش که چون کشته شدم گریبان بر من چاک مکن و چهره مخراش و در مرگ من واویلا و اثبورا (عذاب بر من باد، خدایم مرگ دهد) مگو»¹.

8 - شیخ کلینی در فروع کافی ج 3 ص 225 از امام موسی بن جعفر آورده که فرمود: «مردی که به هنگام مصیبت دست خود بر رانش بکوبد موجب تباه کردن اجر خویش می‌شود».

¹ این روایت، در تاریخ یعقوبی شیعه نیز وجود دارد.

9 - شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه ج 1 ص 520 از حضرت صادق آورده که فرمود: «هرکس به هنگام مصیبت دست خود بر رانش بکوبد اجرش تباه میشود».

آیا عزاداری، نوحه سرایی، فریاد و فغان، کوفتن بر بدن، زنجیر زنی و قمه زنی، جزء سنت پیامبر ص است؟! یا بعدها ایجاد شده و بدعت و حرام است؟
واضح است که این امور جزء سنت پیامبر ص نمی باشند و همگی بدعت هستند، چون در زمان پیامبر ص، مردم و صحابه در کوچه های مدینه به راه نمی افتادند تا برای شهادت کسی، سینه زنی کنند یا داد و فغان و گریه سر نمی دادند و اصلاً در احادیث رسیده از پیامبر ص و امامان از این اعمال نهی شده و نوحه سرایی را از عمل جاهلیت شمرده اند، حتی به هنگام مصیبت، کوفتن بر ران خویش را جایز ندانسته اند و تنها گریه ای بی اختیار بر مرگ عزیزی جایز است، ولی چادر زدن برای ایجاد روضه و آوردن مداح و نوحه سرا و دائم احساسات مردم را به جوش آوردن و بر سر و روی خود زدن، همگی بدعت است، و با عقل سلیم نیز در تضاد کامل است، و این امور هیچ سودی هم ندارند¹. و البته امام حسین (ع) به گریه و زاری شما نیازی ندارد.

و اما نفاق و حقه بازی محققان شیعه:

اگر به یک آخوند یا به یک شبه محقق نادان بگوئید: آیا عزاداری جزء سنت پیامبر ص هست یا خیر؟ چون نمی تواند به وضوح دروغ بگوید و مدعی شود که این امور جزء سنت پیامبر ص است، می آید و با ترفندی سر شما را کلاه می گذارد و می گوید: این امور جزء سنت پیامبر ص نیستند بلکه جزء فرهنگ و آداب و رسوم ما هستند!! و نباید این امور را به دین نسبت داد!!

در جواب این دکانداران مذهبی باید بگوئیم: استدلال شما برای مردم بیسواد خوب است نه برای عاقلان، چنانچه شما کمی دقت داشته باشید کاملاً متوجه می شوید که در ایران تمامی این مجالس عزاداری و روضه ها نشانه دین داری

¹ البته مرا ببخشید، چون فراموش کردم که این امور برای دکانداران مذهبی سود فراوانی دارد، چون مردم را به بزرگان دین سرگرم می کنند تا با خود دین کاری نداشته باشند، با فاجعه کربلا سرگرم می کنند تا با فجایع امروزی کاری نداشته باشند، با شمر و یزید سرگرم می کنند تا با رهبران ظالم فعلی کاری نداشته باشند.

فراوان و ارادت خاص به اهل بیت است و هر کس بیشتر در این مجالس شرکت کند در نظر مردم مومن‌تر از دیگران است، پس چطور این امور با دین نسبتی ندارند؟! چطور مردم این امور را جزء دین نمی‌دانند؟

شما تا به حال کدامیک از روحانیون را دیده اید که بالای منبر خطاب به جمعیت بگویند: ای مردمی که برای عزاداری حسین جمع شده اید، بدانید که این مجالس فقط جزء فرهنگ ماست نه جزء دین اسلام و سنت پیامبر ص.

اگر آخوندها می‌خواستند چنان سخنانی بگویند می‌بایست سالها پیش دکان خود را تعطیل می‌کردند و می‌رفتند، چون مردم نسبت به دین آگاهی می‌یافتند و دیگر رغبتی به شرکت در اینگونه مجالس نداشتند و البته این به معنی حذف خرافات آخوندی است.

از همه گذشته هر چیزی که جزء فرهنگ ما بود دلیل بر صحیح بودنش نیست، این عزاداری و نوحه سرایی در خود شرع اسلام مطرود است؛ و در احادیث رسیده از پیامبر ص و امامان از اینگونه اعمال منع شده و نوحه سرایی را عمل جاهلیت شمرده‌اند و مردم را به صبر و شکیبایی فرا خوانده‌اند نه به شیون و داد و فغان و گریه و زاری، پیامبر ص و امامان نیز به مداحی و چاپلوسی علاقه ای نداشته‌اند، پس برگزاری روضه و عزاداری برای حسین و ایجاد دهه فاطمیه و دهه‌های دیگر و... بدعت است و مخالف با دستورات اسلام.

و اینکه می‌گوئید این امور تنها جزء فرهنگ مردم ماست، پس آیا در فرهنگ شیعیان کشورهای دیگر چنین مواردی نیست؟ آیا شیعیان عراق یا هندوستان یا پاکستان برای امام حسین عزاداری نمی‌کنند؟¹ آنها که ایرانی نیستند و بعضی عرب هستند و یا از نژادی دیگرند، پس این دلایل تنها بهانه‌ای است بخاطر اصرار بر عملی جاهلانه. چطور مردم اهل سنت در ایران این فرهنگ را ندارند؟ لابد شما اهل سنت را جزء مردم ایران نمی‌دانید!! و فقط شیعیان را حساب می‌کنید!! شما تنها می‌توانید بگویید

¹ اگر بگوئید این مجالس جزء فرهنگ کشورهای دیگر هم می‌باشد، می‌گوئیم: پس چطور این فرهنگ را مردم اهل سنت آن کشورها قبول ندارند؟، مگر اهل سنتی که در آنجا هستند جزء مردم آن کشور نیستند؟ لابد شما تنها شیعیان را جزء آمار خود می‌آورید و تنها آنها را جزء مردم آن کشورها می‌دانید و تنها آنها را نماینده فرهنگ و بقیه چیزها می‌دانید!!، یک کلام بگویید: فقط شیعیان حق زندگی کردن دارند و بقیه انسانها دارای ارزشی نیستند.

این امور جزء فرهنگ شیعیان است نه فرهنگ ایرانیان ، ولی باز دچار مشکل خواهید شد ، چون شما بر این عقیده هستید که وجود شیعه از زمان خود رسول اکرم ص بوده است ، و مذهبی نیست که در قرون بعدی ایجاد شده باشد و به حدیث پیامبر ص اشاره دارید که فرموده : «شیعه علی هم الفائزون» ، یعنی : «تنها شیعیان علی رستگاران»¹ . پس ما می پرسیم : آیا شیعیان زمان پیامبر ص یا زمان حضرت علی ص چنین مجالسی داشته اند یا خیر؟ مسلماً نداشته اند ، پس چرا شما عملی را که شیعیان قبلی هم انجام نمی داده اند انجام می دهید؟! و چرا می گوئید این امور جزء فرهنگ شیعیان است؟! این چه فرهنگی است که از زمان ظهور دولت های آل بویه و صفویه به وجود آمده و قبل از آن نبوده است؟!

حتی عقاید مسخره دیگری نیز پیرامون عزاداری برای امام حسین در مذهب تشیع وجود دارد که آخوندها آنرا رد می کنند ولی در حقیقت وجود دارند و هر سال به این عقاید عمل می شود و مردم به سختی به این عقاید پایبند هستند .

به عنوان مثال ، در ذهن مردم افتاده که رفتن به آرایشگاه در روزهای عزاداری برای امام حسین نوعی گناه و معصیت است!! و نباید این عمل صورت بگیرد یا خوردن آجیل و تخمه گناه است!! یا اینکه کسی بخواهد ازدواج کند و مثلاً در روز عاشورا یا تاسوعا مراسم ازدواجی برای خود ترتیب دهد که مورد طعن و توبیخ و سرزنش مردم قرار می گیرد .

ایشان انواع بدعتها را در مذهب خویش دارند و حلال خدا را حرام می کنند و هر احمقی که رسیده یک عقیده مسخره را وارد این مذهب کرده است .

قمه زنی

واقعاً جای تاسف است که هنوز می بایست در مورد مسئله

¹ شیعه علی بودن به معنای پیروی از علی است ، نه به معنای ایجاد مذهبی جدید و فرقه اثنی عشریه و همینطور ایجاد بدعتهای گوناگون و عزادرای و ساختن گنبد و بارگاه و غیره ... شما چرا احادیث فراوانی را که به مومن بودن و مسلم بودن اشاره دارند نمی بینید؟! البته این حدیث ، ما در مصادر حدیثی نیافتیم و ظاهراً باید حدیث موضوع و ساختگی باید باشد .

قمه‌زنی با بعضی‌ها به بحث و گفتگو نشست¹. و واقعاً جای بسی خنده است که هنوز آخوندها و دکانداران بر سر چه موضوعات مسخره‌ای مانده‌اند و هنوز شک دارند که آیا قمه‌زنی کاملاً غلط است یا خیر؟!!!!

آنوقت ما انتظار داریم که اینها مسائلی چون امام زمان یا خلافت من عندالله و بلافصل علی یا لعن خلفا را کنار بگذارند.

باید خدمت خواننده گرامی عرض کنم که مهمترین دلیلی که باعث می‌شود علمای شیعه مردم را از قمه‌زنی باز ندارند تنها به این خاطر است که این عمل زشت فیلمبرداری شده و در غرب و کشورهای دیگر به نمایش گذاشته می‌شود و در نتیجه باعث خراب شدن شیعه می‌شود. وگرنه برای خرافایون ذره‌ای اهمیت ندارد که مردم قمه بزنند یا نزنند.

و اما دورویی و نفاق ایشان در این است که ه می‌بینیم در جایی می‌گویند قمه‌زنی جایز نیست ولی ناگهان در جایی دیگر این عمل را مجاز می‌دانند.

برای مثال جناب خامنه‌ای این عمل را جایز ندانسته ولی نماینده ایشان در اصفهان، جناب آیت‌الله مظاهری که از آخوندهای خرافی و متعصب صفوی است، در مصاحبه‌ای که از او سوال شد نظر شما پیرامون قمه‌زنی چیست؟ جواب می‌دهد که کار عشق، کاری دگر و کار فقه، کاری دگر است!!! و منظورش این است که این دو از هم جدا هستند و چون عزاداران به عشق امام حسین اینکار را می‌کنند بنابراین از نظر عشقی باید به موضوع نگرست نه از نظر فقهی، چون فقه این مسائل را رد می‌کند.

وقتی رئیس حوزه علمیه و نماینده ولی فقیه این چنین غرق در حماقت و خرافات باشد، آنوقت شما چه انتظاری از مردم و عوام ساده دارید؟!!

البته نمونه این ضد و نقیض‌گویی بسیار بوده و ما فقط به یکی از این موارد اشاره کردیم، وگرنه حتی علمای سابق ایشان نیز سخنانی در مجاز بودن قمه‌زنی دارند، همچون علامه امینی صاحب‌الغدیر که گفته این عمل علاوه بر اینکه جایز است، حتی واجب نیز می‌باشد!!!!!!

پس علمای شیعه تنها در برابر دوربین‌ها و پشت تلویزیون و در مقابل چشم جهانیان است که این عمل را

¹ مثلاً مشاهده می‌شود که عده‌ای نادان می‌گویند: قمه‌زنی همچون حجامت است و باعث دفع خونهای کثیف می‌شود و بنابراین اشکالی ندارد!!!

قبیح می شمارند و در واقع دست به تقیه می زنند ، وگرنه خیلی برایشان مهم نیست که کسی قمه بزند یا نزند. اینقدر در مذهب ایش ان خرافات و شرک وجود دارد که قمه زنی به حساب نمی آید ، ولی خنده دار اینجاست که بر سر موضوعی به این مسخرگی هنوز بحث و ج دل هست و می بینیم که مثلاً یکی از حزب اللهیان متعصب و خرافی با افتخاری تمام از خودش روشنفکری نشان می دهد و می گوید : من قمه نمی زنم !! ، در جواب ایشان باید گفت : خسته نباشید، چقدر شما روشنفکر هستید و ما به شما حسودی می کنیم!!! و لابد چقدر هم فکر کرده اید تا به نادرستی این عمل پی برده اید؟! باید به شما یک جایزه داد!!! در ضمن لازم به یادآوری است که آن دسته از مراجعی هم که قمه زنی را رد می کنند، تنها آنرا جایز نمی دانند و یا می گویند در شرایط فعلی این عمل جایز نیست¹، و به صراحت این عمل را حرام نمی کنند، همچون جناب خمینی که می گفت: این عمل جایز نیست!!!

ارتباط با امام زمان

یکی دیگر از رسوایی ها و دورویی های مراجع شیعی ، مسئله ارتباط با مهدی است.

طبق احادیث و روایات کتب شیعه ، نائب چهارم آخرین نائب مهدی بوده ، و آخرین پل ارتباطی میان امام غائب با مردم بوده ، و حتی در احادیث از قول مهدی چنین آمده که هرکس در زمان حیات خویش مدعی ارتباط با من شد فردی کذاب و دروغگو است.

ولی با این حال می بینیم که دائم و هر چند وقت یکبار ناگهان یکی از مراجع شیعه (همچون آیت الله بهجت) سخنانی می گوید که نشان دهنده ارتباط ایشان با امام زمان است، مثلاً چندی پیش آخوندها و علمای معروفی در ایران (مثل آیت الله ناصری) در مورد جناب بهجت سخنانی گفته بودند که آیت الله بهجت دوستی دارد، و این دوست او با امام زمان در ارتباط است، و مهدی به او گفته که تا زنده بودن تو، من ظهور خواهم کرد.

کسی نیست بگوید : چرا جناب بهجت به این دوست خود نگفته که تو کذاب و دروغگو هستی ؟ چون کسی در زمان حیات خویش نمی تواند ادعای ارتباط با مهدی را داشته

¹ نمی دانم منظور از شرایط فعلی یعنی چه؟! لابد منظور همان مسئله وجود غربیان و فیلمبرداری از این عمل است که باعث شده فعلاً قمه زنی را مجاز ندانند و لابد چنانچه کسی در گوشه خانه اش اینکار را انجام دهد بدون اشکال است!!

باشد و تازه مگر در احادیث نیامده که خود مهدی هم از زمان ظهورش بی اطلاع است؟ پس چطور در این داستانها زمان ظهور خود را اعلام نموده؟ و مگر در احادیث نیامده که تعیین کنندگان وقت ظهور کذاب هستند؟ ولی می بینیم که باز مردم و عوام ساده می گویند: فهمیده اید چه شده؟ جناب بهجت در قنوت خود بیهوش شده و سپس گفته که ه م اکنون قاتل امام زمان به دنیا آمد!!! و بنابراین، ظهور مهدی نزدیک است و حداقل تا پایان عمر قاتلش می بایست ظهور کند.

پس می بینید که علما و مراجع شیعه، منافق و دورو هستند و حتی به مذهب مسخره خود پایبند نیستند و هر کاری خودشان صلاح دیدند انجام می دهند و حتی به اصول خودشان هم اعتنایی ندارند.

لازم است خواننده گرامی بداند که شخصی به نام محمد بن الحسن العسکری وجود ندارد و وجود این شخص از کتاب و سنت ثابت نمی شود¹، و با عقل سلیم نیز در تضاد است، و روایات مربوط به مهدی دارای آثار جعل و خرافات فراوانی هستند، و رد پای غلات در آنها به خوبی نمایان است، ولی چه باید کرد که عوام ساده این مسائل را نمی فهمند و تنها مطیع چشم و گوش بسته جناب بهجت شده اند تا هر روز با داستانی جدید سرگرمشان کند و همه را در انتظار ظهور نگه دارد.

ایجاد وحدت

مورد بعدی پیرامون مسئله وحدت و اتحاد میان شیعه و سنی است که شیعیان چنین ادعایی دارند و حتی هفته ای درست کرده اند بنام هفته وحدت و در آن از اتحاد میان شیعه و سنی سخن می گویند.

بر هر خواننده شیعه مذهبی پوشیده نیست که تمامی این ادعاها دروغ و بی پایه و اساس و عوام فریبی و سیاست بازی است.

شیعه نمی تواند هیچگونه وحدتی با سنی داشته باشد، چونکه پایه و اساس مذهبش بر دشمنی با اهل سنت و سب و لعن بزرگان دینی ایشان ریخته شده است. هر فرد شیعه، زیارت عاشورا را به نیت لعن ابوبکر و عمر می خواند و در محافل خصوصی بطور علنی از ایشان

¹ برای تحقیق بیشتر در این زمینه به کتاب غائب همیشه غائب نوشته اینجانب مراجعه کنید.

بدگویی می کنند و سخنان شرم آوری نسبت به ایشان بکار می برند.

تمامی آخوندها و نمایندگان مذهبی به این موضوع واقفند و این موارد باعث خشنودی و رضایت ایشان است، و هیچگاه مردم را از این سخنان بر حذر نمی دارند، چون مذهب ایشان همین است، و بر حذر داشتن مردم از این امور یعنی باز داشتن مردم از مذهب تشیع، و البته هیچگاه مروجین مذهبی چنین کاری نمی کنند و بر عکس تا بتوانند در کوره تفرقه می دمند، و اصلاً همین مروجین بوده اند که این افکار مسخره و تفرقه انگیز را در سر مردم انداخته اند، و از آن طرف هفته وحدت درست می کنند و در پشت تلویزیون سخنان زیبا و دلنشین می گویند تا جهانیان را فریب دهند و چهره تشیع را زیبا نشان دهند تا بقیه نیز فریب ایشان را بخورند و شیعه شوند و به زیر ولایت ایشان در آیند.¹

یکی از دلایل ایجاد وحدت، بودن کشوره ای هم مرز با ایران است که مردم آنجا از اهل سنت هستند و در صورت مکدر شدن خاطرشان، ممکن است برای بقای حکومت ولی فقیه ایجاد خطر کنند، وگرنه حکومت فرقه ای ایران هیچگونه علاقه ای به سنیان ندارد و منتظر ظهور امام زمان است تا گردن این سنیان را بزند.

حتی ایرانیان نزدیک به مرزها از اهل سنت هستند، همچون مردم سیستان و بلوچستان و کردستان که آنها نیز ممکن است باعث خطری برای حکومت شوند و به همین خاطر نباید بطور علنی از سنیان بدگویی کرد.

دلیل دیگر آخوندها برای ایجاد وحدت، وجود رسانه های متخلف در عصر جدید است که هر حادثه ای را به سرعت به گوش تمام مردم جهان می رسانند و به همین خاطر آخوندها نمی توانند بطور واضح به خرافات خود بپردازند و بطور واضح به عقاید اهل سنت توهین کنند، چون بدین طریقی مورد طعن تمام دنیا قرار می گیرند و چهره ایشان خراب می شود و البته این حرکات، مانع از تبلیغات ایشان می شود و نمی توانند بقیه را نیز مثل خود کنند و دیگر کسی به سوی ایشان نمی آید. چنانچه این رسانه ها وجود نداشتند و یا جمعیت فعلی شیعیان همچون اهل سنت بود و اهل سنت همچون شیعیان در اقلیت بودند، آنگاه به شما می گفتم که این آخوندها چها که نمی کردند، بطور علنی و در پشت تمامی تلویزیونها از صحابه و ابوبکر و عمر بدگویی

¹ البته بهتر است بگوئیم: به زیر حماقت ایشان در آیند.

می کردند¹، و حتی عمرکشان براه می انداختند و هیچگونه رغبتی نسبت به دوستی با اهل سنت از خود نشان نمی دادند و اصلاً توجهی به سنیان نداشتند، چه برسد به این که بخواهند با ایشان ایجاد وحدت، الفت و دوستی کنند. آنجاست که دیگر از پرده تقیه خارج می شوند و چهره واقعی تشیع صفوی پیدا می شود.

خواننده گرامی توجه داشته باشد که این روش در ایجاد وحدت هیچ سودی ندارد و تا ریشه عقاید خرافی را از بین نبرید، گذاشتن هفته وحدت فایده ای ندارد و البته آخوندها نمی خواهند که وحدتی صورت بگیرد، چون وحدت شیعه و سنی یعنی نابودی آخوند خرافی و دکاندار مذهبی و مداح تفرقه انداز و در یک کلام نابودی تشیع صفوی.

تا وقتی مردم تصور می کنند حضرت علی به دستور خدا جانشین بلافصل پیامبر ص بوده، آخوند نیز به کار خود ادامه می دهد چون معنی این عقیده یعنی اینکه بقیه اصحاب دستور الهی را زیر پا گذاشتند و ابوبکر را خلیفه کردند و بنابراین ایشان مرتد، غاصب و ظالم هستند، پس باید همینطور زیارت عاشورا خواند و دلیل تم ام حوادث بعدی از شهادت امام حسین تا امامان دیگر نیز به گردن اصحاب است و باید قبر و گنبد ساخت و منتظر امام زمان ماند تا با ظهور خود انتقام اهل بیت را بگیرد و الی آخر....

پس امیدوارم متوجه باشید که چرا اتحاد میان شیعه و سنی امکان پذیر نیست، و مثل این می ماند که شیعیان بخواهند با خوارج ایجاد وحدت کنند با اینکه می دانند خوارج کینه علی را دارند.

اهل سنت نیز می دانند که شما شیعیان کینه عمر و ابوبکر را در دل دارید و ایشان را لعن می کنید، پس چگونه انتظار دارید با شما دوست شوند؟!!

با این حال باز اهل سنت حاضر به ایجاد وحدت با شیعیان است ولی همانطور که گفتم، آخوند خرافی اجازه پیشرفت چنین وحدتی را نمی دهد و در محافل خصوصی ذهن مردم را نسبت به اهل سنت خراب می کند و می گوید در برابر اهل سنت کاری نکنید و سخنی نگوئید ولی در دل و نیت خود لعن و نفرین کنید، پس در حقیقت جلوی ایجاد وحدت و دوستی با اهل سنت را می گیرد و البته سیاست

¹ البته هم اکنون نیز این آخوندها در ماهواره شبکه دارند و در آنجاست که چهره واقعی ایشان تا حدودی روشن شده و می بینیم که از عمر و ابوبکر بدگویی می کنند و در واقع در حال خارج شدن از تقیه هستند.

انگلیسی تفرقه بینداز و حکومت کن است که این دستورات را به آخوند می دهد ، همان انگلیسی که شاه اسماعیل صفوی را بر روی کار آورد تا با ایجاد دولت رافضی صفوی ، جلوی پیشرفت دولت سنی عثمانی را بگیرد . پس شما خواننده گرامی گول سخنان این کذابین را نخورید که در تلویزیون و روزنامه ادعای ایجاد وحدت دارند ، بلکه باید در دل اجتماع و محافل ایشان رفت تا به واقعیت پی برد .

لازم به تذکر است که بعد از انقلاب بسی اری از مساجد اهل سنت در نظام ولایت مطلقه با خاک یکسان شده است (یا تبدیل به فضای سبز شده) و این نیز یکی دیگر از اعمالی بوده که آخوندها در راستای هفته وحدت صورت داده اند!! ساختن قبری در کاشان به اسم ابولؤلؤ و گرفتن جشن عمرکشان در کنار آن ، یکی دیگر از اعمال وحدت انگیز ایشان بوده است!!¹

حتی این دولتی که ادعای وحدت شیعه و سنی را دارد ، اجازه ساخت مسجد در شهرهایی چون تهران ، قم و اصفهان را به اهل سنت نمی دهد .

مملکتی که رهبر آن خود را ولی امر مسلمین جهان می داند ، در پایتخت خویش برای این جمعیت بزرگ اهل سنت مسجدی نمی سازد ، در پایتختی که بیش از ده میلیون نفر جمعیت دارد ، آیا اهل سنتی وجود ندارد که احتیاج به یک مسجد داشته باشند؟! البته ساخت کلیسا اشکالی ندارد و اتحاد بین شیعه و مسیحیت به خوبی انجام می شود . یا بهتر است بگوییم : اتحاد بین تشیع صفوی با انگلستان و غرب برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام .

با این تفاسیر باز با کمال بی شرمی در پشت تلویزیون حاضر می شوند و پیرامون وحدت میان شیعه و سنی سخن می گویند ، پس آیا این نفاق و دورویی و حقه بازی و روبه صفتی نیست؟

واسطه ها در دعا

مورد بعدی پیرامون مسئله قبور و واسطه قرار دادن ائمه در دعاهاست که در بین شیعیان بسیار رواج دارد .

¹ نمی دانم ابولؤلؤ در کاشان چه می کرده؟! یا توسط علی با طیرالأرض به آنجا رفته!! یا در مدینه مرده و در کاشان رجعت کرده!! یا جسدش با دستگاهی خنک کنند به کاشان برده شده!! و یا... و اصولاً در مذهب تشیع هر چیزی امکان پذیر است .

از این مسئله بگذریم که این عقیده ، شرک در عبادت خداست، و خداوند نیازی به واسطه ندارد.

ولی مسئله پیرامون دروغگویی و نفاق آخوندهاست ، چون می گویند: مردم از قبور و واسطه ها شفا نمی طلبند، بلکه اینها فقط به عنوان واسطه ای بین بنده و خدا هستند ، و این خداست که حاجات ما را برآورده می کند و مریضان ما را شفا می دهد.

با این تفاسیر اشتباه و شرک آلود ، باز می بینیم که به همین عقیده اشتباه خود نیز پایبند نیستند و هر موقع شخصی، قصد زیارت قبور امامان را دارد مرتب می گوید : می خواهم بروم تا از امام رضا شفاي خود را بگیرم !! می خواهم نزد امام حسین بروم تا حاجات مرا برآورده کند !! می خواهم نزد ابوالفضل بروم تا مشکلات مرا حل کند و امیدوارم ایشان مرا بطلبند !!!

یا می گویند: حاجت خودت را از امامان بخواه تا به تو بدهند !!! و ایشان باب الحوائج هستند !!!

ولی چنانچه شخصی حاجتش برآورده نشود می گویند: حتماً خدا نمی خواسته و صلاح نمی دانسته که دعای تو قبول شود و با بی شرمی تمام ، هر خوبی را به امام و هر بدی را به خداوند نسبت می دهند.

اگر در مسیر سفر به مشهد یا کربلا ، حادثه یا تصادفی رخ دهد که زائر تکه تکه شود و بمیرد ، می بینیم که می گویند: سرنوشت او این چنین بوده !!! و ناراحت نباشید، چون با حسین محشور می شود و اصلاً شهید شده است !!!

در مورد نذر نیز به همین شکل است و می دانیم که نذر و قربانی عبادت است ، و عبادت تنها برای خداست ، و عبادت برای غیر خدا شرک است.

شیعه می گوید نذرها و قربانی خود را برای خدا انجام می دهد ولی وقتی به دل جامعه می رویم می بینیم که می گویند: نذر امام حسین کرده ام یا نذر حضرت عباس کرده ام و برای امامان قربانی می کنم و اصلاً نامی از خداوند نیست و نمی دانند که نذر و قربانی تنها برای خداست.

پیروی از قرآن

علمای شیعه چند مرجع برای اجتهاد دارند و مدعی هستند که قرآن مهمترین، بالاترین و اولین مرجع دینی در اسلام است، و البته نظر بقیه مذاهب اسلامی نیز همین است، ولی از نظر ما در این مورد نیز علمای گمراه شیعه دروغ می گویند، چون در واقع حدیث و روایت را در درجه اول می دانند و احادیث و روایات در نزد ایشان مهمتر از هر

چیز دیگری می باشد و مرجع اولیه نزد ایشان، احادیث و روایات هستند نه قرآن.

چنانچه احادیث و روایات را از شیعه بگیریید دیگر چیزی برای گفتن ندارد ، چون هر عقیده ای که باعث تمایز این مذهب از بقیه مذاهب شده ، همگی برگرفته شده از روایات است نه از قرآن ، به عنوان مثال به چند نمونه اشاره می کنم:

1 -وجود آیه ای برای جانشینی بلافصل حضرت علی از جانب خدا که اصلاً در قرآن نامی از علی نیست چه برسد به خلافت او، و شیعه با تفسیر آیات توسط همان احادیث و روایات است که به این مسئله عقیده دارد.

2 -وجود شخصی بنام محمد بن الحسن العسکری یا همان امام زمان که این مورد نیز از روایات و احادیث به دست شیعه رسیده نه از آیات قرآنی.

3 -گریه و عزاداری برای امام حسین که البته در قرآن نیست، و عزاداریهای ایشان طبق روایات مختلفی است که از حوادث کربلا به دست ایشان رسیده است.

4 -ساختن گنبد و بارگاه بر روی قبور ائمه و صدا کردن ایشان در دعا و حاجت طلبیدن از ایشان که این مورد نیز در قرآن وجود ندارد و حتی بر عکس این قضیه در قرآن است، یعنی اینکه در آیات متعددی از خواندن غیرخدا (من دون الله) نهی شده، و این عمل شرک در عبادت خداست.

5 -وجود شخصی در دین بنام مرجع تقلید تا مردم بطور کورکورانه از او اطاعت کنند و به مغز خود ذره ای فشار نیاورند، و برعکس این موضوع در قرآن است ، یعنی اینکه مردم را به تدبر و تعقل فرا خوانده نه به تقلید از دیگران، و تقلید را نکوهیده است ، و چنین بیان شده که پیامبر نیز برای تعالی م امت آمده (بقره/151) نه تقلید امت از او.

فراموش نکنید علمای شیعه نمی توانند فوری ادعا کنند که این موارد از اصول عقایدی ماست ، و هر مذهبی چنین اصولی را برای خود دارد و این مسائل ربطی به دین ندارند، چون همه مردم این موارد را بسیار دینی می دانند و تازه بحث ما بر سر اولویت احادیث و روایات در مذهب شماست ، بطور حتم شما نمی توانید بگوئید که مسئله عزاداری و ساختن قبور و امام زمان و خلافت علی جزء موارد بی اهمیت در مذهب شیعه است، چون شیعه بخاطر همین چیزها است که شیعه شده و سخن ما نیز همین است که اینها همه از اصول بسیار مهم در مذهب شماست، و همگی از

خنده دار اینجاست که وقتی با خرافایون شیعه به بحث
بنشینید و بگویید که این عقاید شما در قرآن نیست،
فوری شما را به سنی بودن متهم می کنند و می گویند : ای
بابا، مگر تو مانند سنیان هستی که می گوی ند هر تر و
خشکی در قرآن هست، این سنیان هستند که فقط قرآن را
قبول دارند و به روایات اهمیت نمی دهند!!!!
و می بینید که بطور علنی منکر اهمیت قرآن هستند و
بطور واضح و آشکار احادیث و روایات را مه تر می دانند
نه آیات قرآنی را.

«و رسول [خدا] گوید: پروردگارا، حقّا که قوم من این قرآن را رها کردند».

در احادیث بسیاری آمده ¹ که پیامبر ص بر زمین ، حصیر ، مسح (پلاس) ، بساط (آنچه بر زمین می اندازند) و درنوگ

یعنی: از ابن عباس گزارش شده که گفت: رسول خدا ص بر پلاسی

(نوعی از فرش) سجده می کرده است، و البته هیچ سنگ یا پاره خشتی را بر روی بساط زیر پای خود نمی گذاشته تا بر آن سجده کند.

و اما مسئله بر سر این است که علمای شیعه می گویند : ما نیز قبول داریم که چنین چیزی در سنت پیامبر اسلام نبوده است، و چون ما معتقد هستیم که بر زمین (و آنچه از زمین است) می بایست سجده کرد، بنابراین این مهر را که از خاک است بر روی بساط زیر پای خود می گذاریم تا به هنگام نماز بر آن سجده کنیم و در حقیقت سجده ما بخاطر این مهر نیست، و اصلاً این مهر چیز مهمی نیست، و تنها برای این است که پیشانی ما بر خاک بمالد.

باید بگوئیم که این نیز تضادی آشکار است، چون :
اولاً: بسیاری از مردم تصور دارند که می بایست فقط و فقط بر همین مهر سجده کرد و من بسیاری از شیعیان را دیده ام که بر روی زمین مشغول خواندن نماز بوده اند و در عین حال یک مهربان نیز بر روی همان زمین گذاشته اند تا بر آن مهر سجده کنند!!!!

ثانیاً: در سریالها و فیلمهای که شما از حوادث صدر اسلام می سازید این موضوع صدق نمی کند و مثلاً در سریال جابر بن حیان که از یاران امام صادق بوده نشان می دهید که جابر در کوهستانی مشغول نماز خواندن است و سجاده ای کوچک بر زیر پای خود انداخته و روی آن چیزی شبیه به مهر گذاشته و بر روی آن سجده می کند و البته بر روی زمینی که چند سانتی متر بالاتر است سجده نمی کند (یا روی همان سجاده) و شما قصد دارید بدینوسیله به مردم نشان دهید که این مهر از همان اوایل تاریخ اسلام وجود داشته است.

ثالثاً: اینکه بگوئید : مهر چیز مقدسی نیست و فقط برای سجده بکار می رود ، دروغی بیش نیست ، چون بطور آشکارا می بینیم که مردم این مهر را می پرستند و بر چشمان خود می گذارند و آنرا می بوسند و دلیل آن نیز روشن است، چون نماز امری مقدس است، و بنابراین وسائلی که در آن بکار می روند بطور خودکار حالتی مقدس به خود می گیرند.

اگر شیعیان مهر را مقدس نمی دانند ، پس من می روم در مسجدی از مساجد شیعه و مهرهایی که در آنجاست زیر پای خود لگد می کنم یا آنها را بر می دارم و به گوشه ای پرتاب می کنم تا ببینم آیا مردم واکنشی نشان می دهند یا خیر؟!!!

سجده می کرد».

یکی دیگر از دلایل پوچ بودن این ادعا که شیعه تنها قصد سجده کردن بر زمین را دارد این است که حتی علمای شیعه به عوام خود می گویند: اگر مهر یا وسیله ای برای سجده کردن پیدا نکردید می توانید بر پشت انگشتان شصت خود سجده کنید!!!

یعنی هر روشی را بکار برده اند تا مبادا این پیشانی بطور عادی به زمین برسد و سجده ای به درگاه خداوند صورت گیرد.

خوارج

مسئله بعدی پیرامون دشمنی شیعیان با خوارج است، و دشمن درجه یک ایشان، خوارج و نواصب هستند.

البته آخوند تشیع صفوی، تمامی اهل سنت را خارجی و ناصبی می داند و یا می گوید: اینها وهابی هستند! و سخنان تفرقه انگیز می زنند.

باید صراحتاً بگوییم که دشمنی آخوندها با خوارج یکی دیگر از ادعاهای واهی و مسخره است، چون در حقیقت خوارج واقعی خود ایشان هستند.

باید از ایشان پرسید: لطفاً بفرمایید که خوارج به چه کسانی می گفته اند؟

یک خارجی صفات زیر را داراست:

1 - متعصب

2 - احمق

3 - دارای نگاهی تک بعدی و گنجشکی¹

4 - برداشت گزینشی از آیات قرآن

5 - زیر بار سخن حق نرفتن و گوش ندادن به سخنی مخالف با عقاید خویش، و در یک کلام: انتقاد پذیر نیستند

6 - خشکه مقدس بودن و خر بودن

7 - سختگیری های بیجا در موارد شرعی

8 - افراد را ملاک حق قرار دادن

¹ خارجی کیست؟ دید تک بعدی
بعدی

خارجی کیست؟ آدم احمق
راه حق

خارجی کیست؟ دید گنجشکی
مشکی

یا بیت زیر از زبان متعصبین:
چون خوارج، دید ما گنجشکی است
زشت و پست

9- دارای چهره‌هایی مشخص، چهره‌هایی خشمگین و متعصب، چهره‌هایی که در آنها رنگ حماقت و تعصب به خوبی پیداست، چهره‌هایی انعطاف‌ناپذیر که فکر می‌کنم نمادی از ابن ملجم باشند یا حتی بدتر از آن.

تمامی صفاتی که برای خوارج بیان شد همگی بطور چشمگیری در خود علما و آخوندهای شیعه وجود دارد و وجود همین صفات در خوارج بوده که باعث به وقوع پیوستن جنگ نهروان شده و باعث دشمنی و جنگ با امیرالمومنین علی شده است. پس ادعای آخوندها مبنی بر دشمنی با خوارج و دوستی با علی، دروغی بیش نیست، و باید گفت که فعلاً خود ایشان دشمن علی و خوارج فعلی در زمان ما هستند و چنانچه حضرت علی زنده می‌بود با این آخوندهای خرافاتی و گمراه دچار مشکل می‌شد و امکان بسیار زیادی داشت که با ایشان وارد جنگ شود.

لازم به تذکر است که خوارج در هر دین و مذهبی وجود داشته و دارند و این منحصر به شیعیان متعصب در زمان ما نیست.

فریسیان در زمان حضرت عیسی^ص نمونه بارزی از خوارج بوده‌اند، دوران سلطه کلیسا در قرون وسطی توسط کاتولیکها و خودکامگی و تعصب کیشیشان نمونه‌ای دیگر است، کرپان‌ها (آخوند زرتشتی) نمونه‌ای دیگر از این خوارج بوده‌اند، لجاجت و حماقت گروهی که ضد اسلام هستند و به اصطلاح خودشان خردگرا می‌باشند و به هیچ عنوان پذیرای سخن حق نیستند¹.

در صدر اسلام نیز ابولهب و ابوجهل نمونه آشکاری از خوارج بوده‌اند و مذهب و دین خود را در بت پرستی و وجود واسطه برای خدا می‌دانسته‌اند و عبادت خدای یگانه را قبول نمی‌کردند و در واقع یکتاپرست نبودند و گرنه مشرکین مکه خدا را قبول داشته‌اند (سوره مومنون آیات/38/85/87/89 و سوره عنکبوت/61/63 و سوره لقمان/25 و سوره زخرف/87 و سوره زمر/38).

¹ همچون رضا فاضلی که در شبکه‌های ماهواره‌ای برنامه دارد یا جناب مشیری، این دسته از خردباختگان در واقع هیچ تفاوتی با آخوندهای گمراه و متعصب ندارند، چون هیچ سخن مخالفی را قبول نمی‌کنند و در لجاجت و حماقت مثل یکدیگرند، در دشمنی و ضربه زدن به اسلام مثل یکدیگرند و در روز جزا نیز در کنار یکدیگرند.

برای دین خطری همچون خوارج وجود ندارد و مهلکترین ضربات توسط همین فریسیان و علمای متعصب به دین وارد شده است.

علمای متعصبی که در لباس دین به دین ضربه می زنند ، در لباس دین مردم را فریب می ده ند و به اطاعت از خود وامی دارند، پس:

آدم احمق من چون علی با خوارج بدم من دشمن

هم اکنون نیز در میان شیعیان ایرانی این دسته از علما مشغول انجام فعالیت هستند ، همچون: حجة الاسلام علیرضا پناهیان ، آیت الله مکارم شیرازی ، آخوندی بنام دانشمند، آیت الله ناصری و ...

در گذشته نیز این دسته از علما وجود داشته اند ، همچون: علامه مجلسی، علامه حلی، شیخ کلینی و...

برای اینکه مطمئن شوید که ایشان صفات خوارج را در خود دارند، تنها یک مثال کوچک برایتان می زنم تا متوجه عمق فاجعه شوید و داستانی را از رهبر شیعیان جهان یعنی جناب خامنه ای تعریف می کنم که البته خود ایشان برای جمعی از مردم این سخنان را می گفت ، و شما ببینید که وقتی رهبر یک جامعه این چنین باشد دیگر چه انتظاری از پیروانش می توان داشت.

جناب خامنه ای تعریف می کرد که زمانی در یک قطار در حال حرکت بوده و نمازش در حال قضا شدن بوده و به همین خاطر خود را به بیرون از قطار پرتاپ کرده تا نمازش را بخواند و می گفت که درون قطار کثیف بوده و.... این صفت خشکه مذهبی و خر مقدسی دقیقاً همانی است که خوارج داشته اند و آنها نیز در امور دینی بسیار سختگیر بوده اند.

یکی نیست به جناب خامنه ای بگویند که حفظ جان واجب است و کاری که احتمال ضرر در آن زیاد باشد حرام است چه برسد به اینکه خطر جانی نیز داشته باشد، و امر دین نیز سهل و آسان است، و شما می توانید اید صبر کنید تا به مکانی مناسب برسید و نهایتاً قضای نمازتان را بخوانید و یا حتی می توانید اید بصورت اشاره نماز را بخوانید ، چون نماز را در هر شرایطی می توان خواند، از روی اسب گرفته یا در حالت بیماری و خوابیده در رختخواب و غیره...

یا حتی چنانچه شرایط بسیار سخت باشد و امکان خواندن نماز به هیچ عنوان نباشد ، پس در این حالت دیگر گناهی بر گردن شخص مومن نیست.

اصولاً امور فقهی در شرایط مختلف، حکمهای مختلفی دارند و مثلاً گوشت مرداری که حرام است در شرایط اضطراری حلال می شود و می توان به اندازه رفع گرسنگی از آن استفاده کرد و همینطور امور مختلف دیگر و در مورد نماز نیز همینطور است، و پاک بودن محل نماز و رو به قبله بودن و سایر شرایط نماز همگی در حالات عادی قابل اجرا هستند و مثلاً در حالت جنگ و جهاد با دشمن که فرصت نماز خواندن هم نباشد بطور حتم شرایط عوض خواهد شد یا در حالت بیماری و ناتوان بودن.

خوارج مثل حیوانند:

پشت نقاب دین شده پنهان خوارجند در کار
 دین و دنیا نادان خوارجند
 حزب الله است انگار عنوان این گروه اما
 بدان که آیت شیطان خوارجند
 در دستهایشان علم حب اهل بیت اما
 خلاف مکتب ایشان خوارجند
 از کینه و تعصب این قوم نابکار
 ایران شدست کلبه ویران خوارجند
 چون فکر می کنند که حقند و با خدا آدم
 کشند راحت و آسان خوارجند
 يك ذره احتمال خطا هم نمی دهند
 فریسیان دشمن انسان خوارجند
 الله پرده ها زده بر گوش و چشمش پس
 غافلند از ره ایمان خوارجند
 اینها خلاف خنده و آزادی و رفاه از
 آفتاب و نور گریزان خوارجند
 در هر لباس و ملت و دینی که بوده اند مثل
 مصیبتند که اینان خوارجند
 احمق خوارجند خرابی خوارجند
 خوارجند و شیطان خوارجند خواری

خوارج

خوارج مثل حیوانند ای دوست
 نمی دانند ای دوست
 خوارج دست شیطان داده افسار
 براه جهل آسانند ای دوست
 خوارج پشت دین و ریش و تسبیح
 که پنهانند ای دوست

خوارچ فکر کرده عین حقند
 شیطانند ای دوست
 خوارچ در تعصب رشد کردند
 نمی‌میرند سگ
 جانند ای دوست
 سپیدی را بسی مکروه دانند
 سیاهی را
 خوارچ عاشق رنگ سیاهند
 سیه بانند ای دوست
 خوارچ مستحق لعنت حق
 برای اینکه
 شیطانند ای دوست
 خوارچ غیر آنچه دوست دارند
 نمی‌خوانند ای دوست
 مبادا از خوارچ باشی ای دوست
 ز دین
 و عقل، خارج باشی ای دوست¹

البته امیدوارم بازگو کردن این مطالب باعث نشود تا
 خوارچ فعلی که هم اکنون در کشورهایی چون عمان زندگی
 می‌کنند ناراحت شوند، چون ایشان به مراتب بهتر از
 آخوندهای رافضی هستند و حتی شنیده‌ام که بسیار معتدل
 شده‌اند و مثل سابق نیستند و همچون شیعیان از صبح تا
 شام مشغول لعن و نفرین دیگران نمی‌باشند.
 پس صفت خوارچ را داشتن مهم است نه نام خوارچ را
 داشتن، و حتی ممکن است روزی برسد که خوارچ هدایت شوند
 ولی آخوندهای شیعه هنوز در گمراهی به سر ببرند و هنوز
 جزء خوارچ باشند.

عمل امام

شیعه معتقد است که ع مل امام ش حجت است، و امام را
 الگوی خویش می‌دانند و خود را موظف به پیروی از رفتار
 و کردار امام می‌دانند، ولی این نیز دروغی بسیار بزرگ
 است، و عمل امام برای شیعه حجت نیست.

حضرت علی و همنطور امامان دیگر نام فرزندان خویش
 را ابوبکر و عمر و عثمان و عایشه می‌گذاشت ه اند، و
 آیا شیعیان فعلی به همین روش عمل می‌کنند؟، کدام شیعه
 نام پسر خود را عمر می‌گذارد؟!

امام زین العابدین، دختر و پسر با نامهای عایشه و
 عمر داشته است و همنطور امامان دیگر (کشف الغمة ص
 334/2) الفصول المهمة (ص 283) و همنطور پسران حضرت علی

¹ اشعار از علیرضا حسینی.

با نامهای ابوبکر و عمر و عثمان بوده اند ، و در کربلا حضور داشته اند که ابوبکر و عثمان شهید شدند ، همینطور پسران امام حسن مجتبی با نامهای ابوبکر و عمر و طلحه بوده اند که در کربلا شهید شدند ، و امام حسین نیز پسر با نام عمر داشته است، و همینطور امامان دیگر . (علمای شیعه نیز به این اسامی اشاره داشته اند مثل اعلام الوری طبرسی ص 203 و ارشاد مفید ص 186 و تاریخ یعقوبی 23/2)

حضرت علی (ع) و امامان شیعه در اذان خود، جمله «أشهد أن علياً ولي الله يا علياً حجة الله» نداشته اند، ولی شیعیان بدون استثناء در هر اذان خود این جمله را بکار می برند.

حضرت علی (ع) از ابوبکر و عمر تعریف و تمجید کرده است¹، ولی شیعه دشمن درجه یک این دو نفر است، و حتی ایشان را لعن می کند و کینه و بغض شدیدی از ایشان به دل دارد و سخنان حضرت علی برایش حجت نیست، بلکه سخنان و اعمالی که از جانب حضرت علی بر خلاف سلیقه شیعیان باشد همگی حمل بر تقیه می شوند ، پس اینکه می گویند: عمل امام حجت است دروغی بیش نیست.

حضرت علی (ع) در هیچ جا ادعای خلافت بلافصل و م ن عندالله را نداشته است ، ولی شیعیان بر این عقیده پافشاری دارند.

مورد بعدی پیرامون اعمال نیک امامان است که البته کافست نگاهی به مردم و عوام شیعه بیندازید تا به اخلاص، زهد و اعمال نیک ایشان پی ببرید!!!
انواع فسادها و بزهکاری در جامعه رشد یافته ، و هر روز به تعداد تارکین نماز افزوده می شود و جوانان به دنبال مواد مخدر و فسادهای دیگر هستند و البته تمامی اینها پس از به ظهور رسیدن انقلاب خمینی بوده ، و با روی کار آمدن نائب امام زمان بوده که مملکت به جن کشیده شده است، چونکه مذهبی منحرف بر روی کار آمده و البته عمل نمودن به مذهبی که گمراه و شرک آلود است نتیجه ای

¹ مثلاً حضرت علی در نهج البلاغه در خطبه 228 از حضرت عمر تعریف و تمجید کرده است، ولی شیعه این خطبه را قبول نمی کند و یا آنرا حمل بر تقیه می کند یا می گوید: منظور حضرت علی از این سخنان سلمان و یا مالک اشتر بوده است نه عمر ، و دست به تفسیر و توجیه می زند در صورتیکه در ابتدای خطبه از بلاد فتح شده توسط عمر سخن می رود و ما نمی دانیم سلمان یا مالک اشتر کجا را فتح کرده اند؟!!!

جز این هم ندارد، و مثل این می ماند که شما مریض شوید و بجای اینکه دارویی موثر بخورید، بروید و غذاهایی بخورید که برایتان مضر است، و تازه انتظار داشته باشید که هر چه سریعتر بهبود پیدا کنید!! مسلم است که با این روش به احتمال قوی سر از قبرستان در می آورید.

خواننده گرامی بدانند که در اسلام تنها دین وجود دارد و این تنها دین اسلام است که تشریع شده و قانونی است، بنابراین تنها می بایست به قرآن و سنت چنگ زد و عقل خود را نیز بکار بست، عقاید بسیاری در مذهب تشیع وجود دارند که با قرآن و سنت و عقل در تضاد کامل هستند و عمل به این عقاید باعث می شود که به گمراهی، شرک و خرافه مبتلا شوید.



مرگ تو رشته پیامبری و فرود آمدن پیام و اخبار آسمانی گسست».

عقل و منطق نیز همین مسئله را حکم می کند که بالاخره می بایست روزی برسد که مردم خودشان روی پای خودشان بایستند و روزی برسد که مردم به دستورات الهی عمل کنند و نتیجه آنرا ببینند و این همان خاتمیت است.

نمی شود که مردم تا ابد محتاج کسی باشند تا بالای سر ایشان حضور داشته باشد و آیا باید دین کامل شود یا خیر؟! نمی شود که تا قیامت نزول وحی ادامه یابد و مردم نیز در آن جهان بهانه بیاورند که دین در زمان ما کامل نبوده، و برای همین ما گمراه شدیم و چنانچه عقیده بر اكمال دین دارید، پس نزول وحی بی مورد است و قرآن و سنت برای عمل کردن کافی است.

شیعه می گوید: حتماً باید حجتی از جانب خدا وجود داشته باشد تا مردم را رهبری کند و امت اسلامی به گمراهی نیفتند.

می گوئیم، اولاً: می شود بفرمایید این حجتی که همیشه باید باشد پس هم اکنون کجاست؟! از نظر ما در پس پرده بودن با نبودن یکی است. ثانیاً: همانطور که قبلاً نیز گفتیم، بالاخره باید روزی برسد که مردم خودشان تصمیم گیری کنند و به دستورات الهی عمل کنند و روی پای خویش بایستند و این در مورد حیوانات نیز صادق است، و اینطور نیست که حیوانات تا آخر عمر خویش مراقب فرزندان شان باشند، ولی ظاهراً علمای شیعه، مردم و عوام را از حیوان و گوسفند کمتر می دانند که چنین توجیه اتی بکار می برند. ثالثاً: طبق قرآن و سنت، پس از اكمال دین و رحلت نبی اکرم ص دیگر حجتی وجود ندارد و دین کامل شده و تنها همان کتاب و سنت و عقل خود انسان است که حجت بر او هستند نه شخصی دیگر که تازه غائب است و در دسترس نیست.

پس عقیده شیعه به خاتمیت با عقاید دی گرش در تضاد است، عقایدی چون نزول وحی و فرشتگان بر امامان و یا الزام در وجود حجت الهی.

تکفیر

مراجع شیعه معتقد هستند که ما کسی را تکفیر نمی کنیم و حتی هفته وحدت داریم و در کنار مسلمانان دیگر به خوبی زندگی می کنیم، ولی این نیز با عقاید ایشان در تضاد است، و دروغ و کذبی بیش نیست، و این مراجع

احتمالاً در حالت تقیه هستند، چونکه فعلاً در اقلیت به سر می‌برند.

شیعه امامت را از اصول بسیار مهم مذهب خود می‌داند و اینقدر که بر ولایت و امامت و مهدویت پافشاری دارد بر هیچ چیز دیگری بدینگونه عمل نمی‌کند و کافر به کسی می‌گویند که یکی از اصول یا فروغ ضروری اسلام را منکر باشد. پس با این تفاسیر، آیا اهل سنت خود به خود در زمره کفار در نمی‌آیند؟! چون اهل سنت امامت شیعه را قبول ندارد، و آیا علمای شیعه، سنیان را بهشتی می‌دانند?!!

علامه مجلسی در کتاب حق الیقین نوشته: در بیان جماعتی که داخل جهنم می‌شوند، و علامه حلی در شرح یاقوت گفته است که اما آنها که می‌گویند نص خلافت بر حضرت امیر نشده است، اکثر اصحاب ما قائلند که ایشان کافرند و بعضی گفته اند که ایشان فاسقند و آنها که قائلند که ایشان فاسقند خلاف کرده اند در حکم ایشان در آخرت. اکثر گفته اند که ایشان مخلدند در جهنم، و بعضی گفته اند که ایشان خلاص می‌شوند از عذاب و داخل بهشت می‌شوند، و این قول نادر است نزد منصف، و او قائل شده است که از عذاب خلاص می‌شوند اما داخل بهشت نمی‌شوند، و روایاتی که دلالت بر کفر مخالفین می‌کند و اینکه ایشان ملحد در نارند و اعمال ایشان مقبول نیست از طرق عامه و خاصه متواتر است!!!!

این نمونه ای کوچک از مزخرفات علمای شیعه در گذشته بود که بی آن شد، علمایی که مراجع فعلی آنها را قبول دارند و می‌ستایند.

شیعه و فرقه اثنی عشریه تنها خود را بر حق می‌داند و تنها خود را بر صراط مستقیم می‌داند و راه نجات و هدایت را تنها در پیروی از مکتب ولایت و امامت می‌داند و معتقد است که همه مردم دنیا می‌بایست به زیر ولایت ایشان در آیند تا به سعادت برسند!!!!

پس تکفیر مسلمین بطور خودکار در مذهب خرافی ایشان وجود دارد.

شعار اصلی ایشان پس از انقلاب سال 1357 این بود که: مرگ بر ضد ولایت فقیه!!! و غیر مستقیم اهل سنت و دیگران را مخاطب قرار می‌دهند، چون ولایت فقیه و نائب امام زمان در کتاب و سنت تعریف نشده، و اصلاً خود امام زمان نیز وجود ندارد و از قرآن و سنت وجود چنین شخصی ثابت نمی‌شود، پس کسانی که این عقیده را قبول ندارند باید مرگ و لعنت بر آنها فرستاده شود!!!!

در ایران و حکومت نائب امام زمان ، کسانی که بخواهند فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر را در حوزه سیاسی آن بکار ببرند به شدت تکفیر می شوند ، چنین اشخاصی علاوه بر اینکه اعدام یا زندان سیاسی یا شکنجه می شوند، تازه القابی چون: مرتد، محارب با خدا و ضد ولایت فقیه را نیز دریافت می کنند.

پس مراجع شیعه که ارکان سیاسی و حکومتی را در دست دارند علاوه بر تکفیر ، هر کار دیگری نیز برای حفظ حکومت امام زمانی انجام می دهند!!!

در ضمن لازم به تذکر است که چهره واقعی مراجع شیعه ، هنوز نمایان نشده است و هنوز کمی در پرده تقیه هستند و بطور کامل از این پرده خارج نشده اند ، روزی که جمعیت شیعیان و قدرت ولایت مطلقه به حداکثر خودش برسد و روزی برسد که از هیچ کس ترسی نداشته باشند و دیگر رعایت مصالح سیاسی سودمند نباشد ، در آن هنگام است که مردم جهان چهره واقعی ایشان را می بینند¹.

دین و سیاست

یکی از شعارهای مهم پس از انقلاب سال 1357 در ایران که دائم ورد زبان رجال حکومتی و مراجع شیعه می باشد این است که: دیانت ما عین سیاست ماست، و سیاست ما عین دیانت ما.

این نیز یکی دیگر از دروغهای بزرگ و روبه صفتی آخوندهاست، چون اگر اینطور است ، پس چرا نمی گذارید که فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر در مهمترین حوزه خود، یعنی حوزه سیاست ، بکار برده شود؟ و اگر کسی خواست به این فریضه مهم دینی بپردازد از زندان سیاسی سر در می آورد.

فکر نمی کنم لازم به تذکر باشد که زندان سیاسی در ایران از بدترین نوع زندانهاست ، و مانند قاچاقچیان و دزدان و زناکاران و شرابخواران با شما برخورد نمی شود ، بلکه بدترین و سخت ترین نوع زندان و مجازات و شکنجه در انتظار فرد سیاسی است.

¹ در آن موقع به احتمال قوی مراسم عمرکشان بصورت علنی از تلویزیون پخش می شود و آخوندها در هرجایی که رسیدند به راحتی عمر و ابوبکر را لعن می کنند و سنیان را تکفیر می کنند و

در حکومت امام زمانی به چنین شخصی می گویند: محارب با خدا، مرتد و ضد ولایت فقیه.

اگر دیانت شما عین سیاست شماست، پس چرا در رابطه با کشورهای کمونیستی چون چین، روسیه، کوبا و کره، به دیانت خود اهمیتی نمی دهید؟ و چرا در آنجا تنها به سیاست می چسبید؟

خنده دار اینجاست که با کشورهای عرب و مسلمان، رابطه خوبی ندارند و مثلاً با کشورهای عربی چون مصر، اردن و عربستان رابطه خوبی ندارند و دشمن هستند¹.

اگر دیانت شما در تمامی عرصه ها حضور دارد، از ورزش گرفته تا هنر و سیاست و غیره... پس چرا نام خلیج فارس را خلیج اسلامی نمی گذارید؟ آنجا دیگر با دیانت خویش کاری ندارید و می روید به سراغ موارد دیگر.

حتی در رابطه با کشورهای اهل سنت، دیانت را در نظر ندارند بلکه تنها بخاطر مصالح سیاسی است که با ایشان رابطه دارند. اینها هیچ اعتقادی به عقاید اهل سنت ندارند و حتی به شدت با ایشان مخالفند.

این تقیه و دورویی و روب ه صفتی ایشان در تمام زمینه ها رخنه کرده، و همه جا را به جن کشیده، بطوریکه نمی توان در هیچ زمینه ای هیچگونه اعتمادی به ایشان داشت.

ایشان افکار خطرناکی را در سر می پرورانند. در جهانی که تکنولوژی، علم و روشنفکری رو به افزایش است و مردم می روند تا یک دهکده جهانی درست کنند و با همفکری و همکاری بسوی انواع پیشرفتهای علمی رهسپار شوند و ذهن هر انسان سالم، آگاه و دانشمندی می داند که صلح و دوستی می بایست برقرار شود نه جنگ و خونریزی و دشمنی، آنوقت مراجع خرافی شیعه نشسته اند تا امام زمان بیاید و همه را گردن بزند و ال بته این کشتار را از مردم سنی مقیم عربستان شروع می کند!!

در ذهن علمای شیعه تنها این موضوع چرخ می زند که همه مردم جهان باید سعی کنند به زیر ولایت ما در آیند و چنانچه هم اکنون این عمل صورت نگیرد بالاخره با ظهور

¹ دلیلش این است که این کشورها وهابی هستند و روی قبور را تزئین نمی کنند، و عمر و ابوبکر را قبول دارند، ولی چین و روسیه مانند خودشان بی دین هستند و با قبور هم کاری ندارند، همچنین با عمر و ابوبکر.

مهدی صاحب الزمان و با زور شمشیر این آرزوی دیرینه بر آورده خواهد شد!¹

پایه و اساس این حکومت بر مذهب است، و پایه و اساس مذهبش نیز بر تفرقه، دشمنی، جنگ، کینه، شهادت و پس وجود جنگ در نقاط مختلف، برای این حکومت خوب است. نظریه مومان (جامعه شناس فرانسوی) و همچنین اصل تز و آنتی تز هگل می گوید: هر انقلابی به خاطر تضاد با یک دشمن و نظریه ض د شکل می گیرد و به نظر ما بقاء آن انقلاب و حکومت به داشتن دشمن است، و اگر دشمنی نباشد ممکن است خود آن انقلاب دشمن عده ای شود، و توسط آنان سرنگون شود، به همین خاطر است که مرتب می گویند: فلان کشور عربی، وهابی است، و فلانی با آمریکا یا با اسرائیل است، و می خو اهند تنور این جنگ و اختلاف همیشه داغ بماند، چون با سرد شدن آن نابود خواهند شد.

سخنان و وعده های رهبران و مراجع این دورویی و روبه صفتی در سخنان رهبران و مراجع مذهبی ایشان نیز نمایان است، و بطور مثال جناب خمینی قبل از سقوط رژیم شاهنشاهی و قبل از اینکه خودش به روی کار بیاید، وعده های زیادی می داد، ولی همگی علاوه بر اینکه تحقق نیافتند بلکه حتی برعکس آنها صورت گرفت. برخی از سخنان جناب خمینی را می آوریم تا خودتان به روبه صفتی ایشان پی ببرید:

خمینی می گفت: «سی میلیون جمعیت همه علم را بلند کرده اند و می گویند: قرآن می خواهیم»².

«روابط ما با جامعه غرب يك روابط عادلانه است، نه زیر فشار ظلم آنها خواهیم رفت و نه ظلمی بر آنها روا خواهیم داشت، و اما با کمونیستها چون سوء قصد آنها را نسبت به مملکت خودمان تا کنون احرار کرده ایم، نمی توانیم يك روابطی داشته باشیم»³.

¹ لابد امام زمان نیز همچون شاه اسماعیل صفوی این آرزو را تحقق می بخشد، یعنی با زور شمشیر و با کشتار مردم باعث می شود که ایشان به سعادت و هدایت واقعی یعنی فرقه تحفه اثنی عشریه دست یابند!!!

² سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج 1357/8/4، صحیفه امام ج 4 ص 170.

³ خمینی 1357/7/20، مصاحبه با خبرنگاران درباره آینده حکومت اسلامی، صحیفه امام ج 3 ص 515.

«در اسلام جناح‌های مختلف وجود ندارد ، وقتی حکومت اسلامی تشکیل شود همه تابع قانون اسلامند و اسلام يك جناح یکپارچه و واحد است»¹.

«در ایران سی و پنج میلیون مسلمان هستند که همه در خیابانها اسلام را داد می‌زنند»².

«در ایران اسلامی علما خودشان حکومت نخواهند کرد و فقط ناظر و هادی امور خواهند بود . خود من نیز هیچ مقام رهبری نخواهم داشت ، و از همان ابتدا به حجره تدریس خود در قم برخوادم گشت»³.

«در جمهوری اسلامی کمونیستها هم در بیان عقیده خود آزاد خواهند بود»⁴.

«در حکومت اسلامی رادیو ، تلویزیون ، و مطبوعات مطلقاً آزاد خواهند بود و دولت حق نظارت بر آنها را نخواهد داشت»⁵.

«در منطق اینها آزادی یعنی به زندان کشیدن مخالفان ، سانسور مطبوعات و اداره دستگاه های تبلیغاتی . در این منطق تمدن و ترقی یعنی تبعیت تمام شریان های مملکت از فرهنگ و اقتصاد و ارتش و دستگاه های قانونگذاری و قضایی و اجرایی از یک مرکز واحد . ما همه اینها را از بین خواهیم برد»⁶.

«ما همه مظاهر تمدن را با آغوش باز قبول داریم»⁷.

¹ تاریخ 1357/9/21 مصاحبه با روزنامه صدای لوکزامبورگ ، صحیفه امام ج 5 ص 223.

² تاریخ 1357/8/17 مصاحبه با رادیو تلویزیون ژاپن درباره دولت نظامی و دولت آینده ، صحیفه امام ج 4 ص 381.

³ مصاحبه با خبرگزاری رویتر ، نوفل لوشاتو ، 5 آبان 1357.

⁴ مصاحبه با سازمان عفو بین الملل ، نوفل لوشاتو ، 10 نوامبر 1978.

⁵ مصاحبه با روزنامه پیزا س ره ، نوفل لوشاتو ، 2 نوامبر 1978.

⁶ سخنرانی برای گروهی از دانشجویان ایرانی در اروپا ، نوفل لوشاتو ، 8 آبان 1357.

⁷ سخنرانی برای گروهی از ایرانیان ، نوفل لوشاتو ، 19 مهر 1357.

«برای همه اقلیت های مذهبی آزادی بطور کامل خواهد بود و هر کس خواهد توانست اظهار عقیده خودش را بکند»¹.
«نه رغبت شخصی من و نه وضع مزاجی من اجازه نمی دهند که بعد از سقوط رژیم فعلی شخصاً نقشی در اداره امور مملکت داشته باشم»².

«دولت اسلامی ما یک دولت دموکراتیک به معنی واقعی خواهد بود. من در داخل این حکومت هیچ فعالیتی برای خودم نخواهم داشت»³.
«من نمی خواهم رهبر جمهوری اسلامی آینده باشم. نمی خواهم حکومت یا قدرت را بدست بگیرم»⁴.

«پس از رفتن شاه من نه رییس جمهور خواهم شد، نه هیچ مقام رهبری دیگری را به عهده خواهم گرفت»⁵.

«از نظر آزادی عقاید بنابر آن است که اشخاص منحرف همیشه حرفهای خود را می زده اند، اگر آنها از اصل اسلام خبردار شده باشند این حرفها را نمی زنند، اینها اگر به همه مسائل آشنا شوند اختلافات از بین می رود. در عین حال ما از اظهار عقیده جلوگیری نکرده و نمی کنیم، لکن از کارهایی که منحرفین گاهی می کنند می خواهند شلوغ کاری کنند..... ما آزادی به همه مسالک و عقاید می دهیم»⁶.

این دارایی از غنائم اسلام است، من امر کردم به مستضعفین بدهند و بخ و بدهند داد و می گفت: به این نغمه های باطل گوش ندهید، آنها حرف می زنند ولی ما عمل می کنیم!! و می گفت: ما یک مملکت محمدی ایجاد می کنیم!! و می گفت: آب و برق را مجانی می کنیم، اتوبوس را مجانی می کنیم!! و این ارتشی ها فکر می کنند ما می خواهیم آنها را دار بزنی (که همه جمعیت خندیدند و فقط 10 روز آری فقط 10 روز بعد، تعداد زیادی از فرماندهان ارتش را - البته دار نزدند - تیرباران کردند، حتی گرگ ترین

¹ کنفرانس مطبوعاتی، نوفل لوشاتو، 9 نوامبر 1978.

² مصاحبه با خبرگزاری اسوشیتد پرس، نوفل لوشاتو، 17 نوامبر 1975.

³ مصاحبه با تلویزیون NBC، نوفل لوشاتو، 11 نوامبر 1978.

⁴ مصاحبه با تلویزیون اتریش، نوفل لوشاتو، 16 نوامبر 1978.

⁵ مصاحبه با روزنامه لموند، نوفل لوشاتو، 9 ژانویه 1979.

⁶ تاریخ 1357/11/6 گفتگو با سه تن از شخصیت های

آمریکایی_صحیفه امام ج 5، ص 533-534.

حکومتهای دنیا نیز وقتی عفو عمومی می دهند دیگر زیر حرف خودشان نمی زنند).

«امروز روزی است که کلمه وحدت برای ما فایده ندارد ، عمل وحدت لازم است ، من هم می گویم وحدت ، اما اگر بنا باشد که من مخالفت کنم با دیگران، يك کلمه اي است، يك ریایی است و بیشتر نیست!!»¹.

«اهانت به هر مسلمانی چه عضو حزب باشد یا نه، بر خلاف اسلام و تفرقه اندازی در این موقع از بزرگترین گناهان است!!»².

«نماز خواندن پشت سر اهل سنت همچون نماز خواندن پشت سر پیغامبر است».

«در زمان ما هیچ خرابی حاصل نشده ، زمان ما همه کوشش برای درست کردن وضع ملت است. درست کردن وضع کشاورزی و سایر کارخانه ها و امثال ذلك . شما توقع دارید ما بتوانیم در هین چند ماه یا چند سال برویم به آن حدی که همه مان ، ملتمان در رفاه باشد، همه کارها هم درست شده باشد»³.

«آنان که به ادعای واهی کوس طرفداری از خلق را می زنند و با خلق خدا آن می کنند که همه می دانند در این جنایت عظیم چه توجیهی دارند؟ و با به شهادت رساندن عالمی خدمتگزار و پیرمرد بزرگوار هشتاد ساله چه قدرتی کسب می کنند و چه طرفی می بندند؟»⁴.

(ولی سربازان بدنام امام زمانی به داخل منزل علامه برقی این پیرمرد هشتاد ساله ریختند و در حالی که نماز می خواند به سر او شلیک کردند).

هم اکنون نیز وضع بر همین منوال ادامه دارد و رجال حکومتی هر روز وعده ای می دهند و مردم را دخوش می کنند و البته نه به وعده ها عمل می کنند و نه وضع مردم بهتر می شود ، بلکه روز به روز بر مشکلات افزوده می شود و مردم هر روز ناراضی تر می شوند، ولی ذره ای به مغز کوچک

¹ تاریخ 1358/4/31 سخنرانی در جمع اعضای نهضت رادیکال

ایران_صحیفه امام ج 9 ص 209

² تاریخ 11 خرداد 1366_خمینی در پاسخ به انحلال حزب جمهوری.

³ تاریخ 1358/7/2 مصاحبه با اوریانا فالاجی_صحیفه امام ج 10 ص 96_97

⁴ تاریخ 1361/7/23 صحیفه امام ج 17 ص 50

خود فشار نمی آورند و ذره ای به عقاید اشتباه خود شک نمی کنند، پس بچشید طمع تلخ جهل را، طمع تلخ مذهب گمراه را، طمع تلخ حکومت فرقه گرا را، طمع تلخ بی دینی را، طمع تلخ دوری از قرآن و سنت را.

هر بلایی که بر سر ملت بیاید، مقصر اصلی در درجه اول خود آن ملت هستند که با جهل خود و با پیروی کورکورانه خود از مراجع گمراه به چاه هلاکت افتاده اند. پس تا خودتان را اصلاح نکنید همچنان گرفتار این روبه صفتان هستید و هر روز فریب ایشان را می خورید، امروز فریب آخوند و فردا روباهی دیگر.

عصمت ولی فقیه و مراجع تقلید همانطور که قبلاً نیز ذکر شد، مطالب درج شده در کتب مذهبی با عقاید رایج در میان مردم تا حدودی تفاوت دارد، و همچنین سخنان مراجع نیز ضد و نقیض است، و در عمل چیزی دیگر را نشان می دهند.

یکی از عقاید شیعه، دادن مقام عصمت به پیامبر ص و حضرت فاطمه و امامان است، و این امر را تنها منحصر به چهارده معصوم می دانند، ولی این نیز یکی دیگر از دروغهای واضح است، و همانطور که گفتیم در بطن جامعه و در اذهان مردن وضع به شکلی دیگر است.

در ذهن مردم و شیعیان ایران، جناب خمینی از هر معصومی معصوم تر است و هیچکس حق ندارد کوچکترین انتقادی به ایشان بکند، با اینکه بسیاری از سخنان و وعده های او دروغ بودند.

حتی این سخن آن و وعده های خمینی در رسانه های داخلی ایران پخش نمی شود، و بطور مثال از سخنرانی او در بهشت زهرا، قسمتهایی که گفته آب و برق را مجانی می کنیم و اتوبوس را مجانی می کنیم، پخش نمی شود و یا بسیاری دیگر از سخنان او در نوفل لوشاتو و جاه ای دیگر که گفته بود: من مسئولیتی را قبول نمی کنم و به گوشه حجره ام می روم و غیره...

اینها نمی خواهند قبول کنند که جناب خمینی دارای انحراف بوده است، و بطور واضح به عصمت او ایمان دارند و کسی جرات مخالفت با این امام و رهبر شیعیان را نداشته و ندارد.

هم اکنون نیز این وضع برای جانشین وی، جناب خامنه ای، ادامه دارد و انگار ایشان معصوم هستند و کسی نمی تواند به او ایرادی بگیرد.

حتی مراجع تقلید نیز مقدسند و هر حرفی بزنند مردم اطاعت می کنند و ذره ای در آن شک نمی کنند. شیعیان دوازده امامی به اشتباه دوازده امامی شده اند و می بایست خمینی و خامن های را نیز به تعداد معصومین اضافه کنند و مثلاً سیزده امامی یا چهارده امامی بشوند و البته این کار خیلی هم مشکل نیست، چون ممکن است بداء حاصل شود و دستور قبلی پیرامون دوازده امام منسوخ گردد و فعلاً به چهارده امام تبدیل شود تا بعد ببینیم چطور می شود؟؟!!

حکومت و سیاست

مورد دیگر موضوع حکومت است، رهبران حکومتی در ایران دائم از صلح و دوستی با کشورهای دیگر صحبت می کنند و می گویند حکومت ولی فقیه در ایران با حکومت های دیگر مشکلی ندارد و همچنین با مسلمین دیگر رابطه خوبی دارد و هر جایی می بایست تحت نظارت حکومت و مردم همانجا باشد نه دست متجاوزین و افراد بیگانه و خارجی. باید بگوئیم: این نیز دروغی آشکار است و با عقایدی که در کتب شیعه آمده در تضاد است.

از نظر شیعیان اثنی عشری تنها کسی که لیاقت حکومت کردن بر تمامی جهان را دارد، کسی نیست جز امام دوازدهم یعنی محمد بن الحسن العسکری.

چون تنها معصوم در قید حیات اوست، تنها خلیفه الهی و من عند الله اوست، و بقیه به نوعی غاصب خلافت و جایگاه الهی هستند و حق حکومت کردن را ندارند، تنها مهدی است که ما یَنطِقُ عن الهوی می باشد و هیچگونه خطا و اشتباهی ندارد و دارای علم غیب و انواع معجزات است و بنابراین به راحتی همه دنیا را اداره می کند و همه را به راه سعادت می برد.

البته فعلاً این امام در پرده غیبت است و طبق عقیده شیعه می بایست نائب او از فقها بر کرسی حکومتی تکیه زند تا روزی حکومت را به امام زمان تحویل دهد. پس فعلاً تنها کسی که حق حکومت کردن را دارد کسی نیست جز ولی فقیه شیعیان و نائب امام زمان. همه جا می بایست به زیر ولایت ایشان در آیند و برای همین ولایتداران و خرافیون در ایران سعی دارند که ولایت فقیه را به خارج از ایران صادر کنند و می بینیم که در کشورهای دیگر نیز تبلیغات دارند تا همه را شیعه کنند.

اینها معتقد هستند که چنانچه هم اکنون مردم جهان با اختیار و میل خود به زیر ولایت ما در نیایند بالاخره

زمانی که مهدی صاحب الزمان ظهور کند با زور شمشیر هم که شده ایشان را به زیر ولایت می آورد. دکانداران مذهبی در ایران هیچ حکومتی را شرعی نمی دانند به جز حکومت خودشان، آرزوی بزرگ ایشان این است که مکه و مدینه را نیز زیر نظر داشته باشند و خودشان آنجا را اداره کنند و بر راحتی خرافات خود را وارد آنجا کنند و در قبرستان بقیع گنبد و بارگاه بسازند و بخاطر همین مسئله است که با دولت آل سعود دشمن هستند و به علمای ایشان وهابی می گویند و ذهن مردم را خراب می کنند.

پس در اندیشه های ولایت فقیه، غضب کل جهان حکمفرماست نه صلح و دوستی.

اینها نه با سنی ها خوب هستند نه با یهودیان و نه با مسیحیان و نه با هیچ کس دیگر، البته با سنیان بیشتر از همه دشمن هستند تا با مثلاً کمونیستها.

خرافات و بدعت

مراجع و آخوندهای شیعه معتقد هستند که بهترین مکتب را برای ترویج دین اسلام دارند و اسلام واقعی را تنها در پیروی از مذهب خود می دانند و مذهب خود را به دور از هر بدعت و خرافاتی می دانند.

این ادعا یکی از بزرگترین و آشکارترین دروغهای ایشان است، چون انواع خرافات و بدعتها به وفور در میان ایشان یافت می شود.

از برخی مسائل بگذریم که اصلاً نزد مراجع شیعه خرافات نیستند و بلکه در عین دیانت هستند، ولی یک سری دیگر از خرافات نیز وجود دارد که حتی خود ایشان مجبور به پذیرش آن می شوند، پس ای نکه می گویند مذهب ما دارای خرافاتی نیست، دروغ است و می بایست به دل جامعه و مردم رفت تا به واقعیت امر پی برد.

چندی پیش از یک ناودان بر روی دیواری مقداری آب ریخته بود و شکلی شبیه به یک انسان درست شده بود که دست نداشت و البته بیشتر شبیه به یک بشکه بود تا یک انسان، ولی به هر حال بسیاری از مردم در مقابل این دیوار تجمع کردند و برای تبرک، پارچه ها و لباس های خود را به آن می مالیدند و گمان داشتند که این عکس متعلق به ابوالفضل است، و چنان ازدحامی شده بود که نگو. آیا اینها خرافات نیست؟! آیا اینها حماقت نیست؟! آیا اینها بی دینی نیست؟!!

براستی چرا و به چه علت مردم کارشان به اینجا رسیده؟ چرا هر چند وقت یکبار از این قبیل حوا دث در میان شیعیان دیده می شود؟ و چرا در میان اهل سنت از این موارد نیست؟

آیا این نشان نمی دهد که مذهب شما دارای اشتباه و گمراهی می باشد که چنین نتایجی را به بار می آورد؟ وقتی شما مراجع جلوی بدعتها را نمی گیرید و حتی بسیاری از آنها را نیکو می دانید و مردم را بسوی قبرپرستی، فرد پرستی، امام پرستی و ستایش اولیاء سوق می دهید، پس به وجود آمدن خرافاتی از این قبیل طبیعی است، و حتماً شما مراجع نمی خواهید که مردم روشنفکر شوند و با دین اسلام آشنا شوند، بلکه دوست دارید آنها در حماقت و جهالت خود بمانند تا براحتی به شما سواری دهند. لازم به تذکر است که در کتب علمای شیعه و کسانی چون مجلسی، می توان انبوهی از خرافات و چرندیات و بدعتها را مطالعه کرد، بنابراین از مردم بیسواد و عوام ساده نمی توان انتظاری بیشتر از این داشت. کسانی که منکر وجود خرافات و بدعت در مذهب تشیع هستند، در واقع خودشان را مسخره کرده اند و یا با دروغگویی و روبه صفتی قصد گمراه کردن مردم را دارند.

حج خانه خدا

بطور حتم چنانچه با علمای شیعه به گفتگو بنشینیم، خواهید دید که خالق را بالاتر از مخلوق می دانند و همینطور شعائر الهی از قبیل حج خانه خدا، ولی این نیز دروغی واضح است.

در کتب شیعه و در روایات و احادیث ایشان که مورد قبول همین علما نیز هست، موارد بسیاری ذکر شده که زیارت قبر حسین را بسیار بسیار بالاتر از حج خانه خدا دانسته اند و برای آن ثوابهای بی حد و حسابی را ذکر کرده اند.

پس نزد شیعه، حسین بالاتر از خداست، چون در گرفتاریها می گویند: یا حسین، یا علی و یا حضرت عباس و نمی گویند: یا الله.

وقتی با عوام شیعه صحبت می کنی به تو می گویند: بیا و برو کربلا و فعلاً مکه را رها کن، کربلا صفایی دیگر دارد و خیلی بهتر است!!!

یعنی بطور علنی کربلا و حسین را بهتر از کعبه و الله می دانند.

[illegible]

تحریر قرآن

همچنین در کتب اصلی ایشان همچون کافی و کتب دیگر نیز این امر روشن است، و در گذشته بسیاری از علمای شیعه قائل به تحریف قرآن بوده اند و این از خ لال نوشته های ایشان مشخص است.

ولی به هر حال در زمان فعلی چنین عقیده ای ندارند ،
ولی جالب اینجاست که باز هم وقتی با یک سری از
متعصبین یا عوام ساده به صحبت بنشینی می بینی که می
گویند: قرآن اصلی نزد امام زمان است، و به هنگام ظهور
آن را می آورد!!!

اگر به این عوام ساده بگویی نامی از علی د ر قرآن نیست تعجب می کنند و لابد این تفکر قرآن امام زمان بخاطر همین مسئله وارد مغز ایشان شده است. البته آخوندهای روبه صفت خیلی هم با قرآن کاری ندارند، چون عقاید اصلی خویش را از احادیث و روایات به چنگ آورده اند که بسیاری از آنها مخالف با قرآن هستند، یعنی تایید آنها تکذیب قرآن است ، پس به خودی خود منکر آیات الهی هستند.

تقیه

یکی از عقاید رایج و مهم در مکتب تشیع ، اصلی است بنام تقیه.

این مورد بهترین وسیله برای روبه صفتان است ، چون بطور خودکار در نهاد ایشان وجود دارد و اگر جزء مذهب ایشان هم باشد که دیگر هیچ.

بسیاری از سخنان ائمه که بر مذاق آخوندها خوش نمی آیند حمل بر تقیه می شوند، مانند نام فرزندان امامان که ابوبکر، عمر، عثمان و عایشه بوده و یا ام کلثوم دختر فاطمه زهرا که همسر عمر بن خطاب بوده است، و موارد بسیار دیگر که همگی با چوب تقیه حراج می شوند. اعمال و کردار علمای شیعه، همیشه در هاله ای از تقیه است.

با وجود چنین اصلی چطور می توان سخنان گوناگون ایشان را در زمینه های دینی یا سیاسی باور کرد؟ با چنین روشی کشورهای خارجی نیز می بایست مراقب روابط خود با این روبه ها نباشند، چون هیچ ضمانتی مبنی بر تعهدات خود ندارند و تنها خواست ایشان ، حفظ دولت ولایت فقیه و نائب امام زمان است تا بالاخره زمان ظهور مهدی فرا رسد، و البته در تحقق این امر از هرگونه روشی استفاده می کنند و روابط دیپلماتیک ایشان تا زمانی که به این اصل مهم ضربه ای وارد نکند محترم هستند و در غیر اینصورت محترم نیستند.

در ذهن خرافیون ، همه مردم جهان به نوعی دشمن تشیع و ولایت هستند ، وقتی اینها اهل سنت و کشورهای عربی¹ و

¹ در رسانه های ایرانی دائم از کشورهای عربی بدگویی می شود و کینه و بغض خود را نسبت به عربها نشان می دهند ، هر اتفاقی که در جهان بیفتد در ایران هیاهو می شود و البته تمام تقصیرها را بر گردن کشورهای عربی می اندازند، از حمله اسرائیل به فلسطین گرفته تا موارد دیگر . اینجاست که

مسلمین دی‌گر را جزء دشمنان درجه یک خود می‌دانند، شما دیگر حساب کار بقیه مردم جهان را نکنید. این خرافیون کینه همه را به دل دارند و از همه متنفر هستند و فقط خودشان را قبول دارند، فقط ولایتداران را قبول دارند. لازم به تذکر است که چنین طرز تفکر احمقانه ای خود به خود محکوم به فناست و در عصر جدید بطور حتم نابود خواهد شد و البته این خوب است. بالاخره این حکومت محکوم به نیستی است، و ماندن آن تا قیام مهدی، تصویری پوچ و خیالی باطل است.

مسیحیت و یهودیت

در مورد اهل کتاب و ادیان مسیحی و یهودی نیز آخوندها می‌گویند: ایشان مورد پذیرش ما نیستند چون انحرافات دارند، مثلاً مسیحیان پیرامون حضرت عیسی غلو کرده اند و مقام خدایی به او داده اند یا علمای یهود نیز حقایق را کتمان کرده اند. باید گفت: این نیز یکی از دروغهای خنده آوری است که از زبان آخوندها می‌شنویم، چون بسیاری از عقاید فعلی موجود در تشیع از مسیحیت و یهودیت وارد این مذهب شده است، و آخوندهای شیعه نقاط مشترک فراوانی با علمای یهودی و مسیحی دارند.

شاه عباس نیز ارادت خاصی به مسیحیان داشت و محله جلفا در اصفهان را به آنها می‌دهد تا در آنجا راحت باشند و کلیسا درست کنند و البته به شهر هرات که سنی نشین بوده اند حمله می‌کرده تا مردم بیچاره آنجا را قتل عام کند و اموال آنها را به غارت ببرد، چرا؟ چون همین مسیحیان او را بر کرسی قدرت نشانده اند، چون مسیحیت در اروپا در حال سقوط بوده و امپراطوری عثمانی (که سنی بوده) در حال تصرف تمامی اروپا بوده، پس امیدوارم متوجه شوید که چرا به مسیحیان ارادت خاصی داشته و با سنیان دشمن بوده.

هم اکنون نیز در پایتخت ایران یعنی در تهران و یا شهرهای دیگری چون اصفهان و قم و کاشان اجازه ساخت مسجد به اهل سنت داده نمی‌شود ولی برای مسیحیان و دیگر اقلیتها مانعی وجود ندارد، اینها ادامه دهنده راه صفویه هستند، ادامه دهنده راه مجلسی و شاه عباس و البته این راه به سرنوشتی چون شاه سلطان حسین ختم می‌شود.

انسان شک می‌کند که حکومت ولایت فقیه در واقع عامل اسرائیل و انگلیس است برای ایجاد تفرقه میان مسلمین.

1- مسیحیان حضرت عیسیٰ را در هر جا ناظر و حاضر می‌دانند و می‌بینی که می‌گویند: یا عیسی مسیح و یا مریم مقدس.

2- مسیحیان در دعا‌های خود به حضرت عیسی یا حضرت مریم متوسل می‌شوند و از ایشان به عنوان واسطه استفاده می‌کنند و می‌گویند برای رفتن نزد پدر ، باید رفت نزد پسر!!!





















































. (جن/20)

3- مراسم عزاداری برای حسین نیز از مسیحیت وارد تشیع شده، و مسیحیان مراسم به صلیب کشیدن عیسی را به نمایش می گذاشتند و شیعیان نیز تعزیه برپا می کنند. البته در عصر جدید در اروپا و کشورهای مسیحی از اینگونه مجالس کمتر به چشم می خورد ولی شیعیان هنوز دست بردار نیستند.

43

◆ ✕ ⇐ & 🔔 🔊 ✎ 🔍 ✂ 🔍 ☐ & 🔊 9 ☐ 🔦 ✨ ⌚ ◆ ③ 🌸 -7

«ای کسانی که ایمان آورده اید، بسیاری از دانشمندان (یهود) و راهبان (نصاری) اموال مردم را به ناروا می‌خورند و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را به عذابی دردناک‌ی مژده ده.»

[illegible]

45

8- مسیحیان در کلیساهای خود ، غیر خدا را صدا می کنند و می گویند: یا عیسی مسیح و یا مریم مقدس، و در واقع یکتاپرست نیستند، و همینطور شیعیان در مساجد خود، غیر خدا و من دون الله را صدا می زنند و می گویند: یاعلی، یاحسین، یا فاطمه زهرا و یا حضرت عباس ، در صورتیکه در قرآن چنین آمده:

9- کتمان حقایق که در یهودیت بیشتر بوده و البته در میان علمای شیعه نیز وجود دارد ، کدام آخوند را دیده اید که مطالب زیر را بر بالای منبر بگوید:

- ازدواج ام کلثوم با عمر بن خطاب ، و ام کلثوم دختر فاطمه زهرا بوده است، و ثمره این ازدواج دو فرزند بوده است. این ازدواج در کتب شیعه ثبت شده است (تاریخ یعقوبی، بحارالانوار، کافی و تهذیب).

- بیان فضائل ابوبکر و عمر و خدمات بسیاری که این دو نفر برای اسلام انجام داده اند که هیچ عاقلی نمی تواند منکر این خدمات بشود، چون تاریخ و روایات متواتری شاهد آن هستند، ولی آخوند روبه صفت منکر تمامی آنهاست.

- بیان اینکه بسیاری از علمای شیعه خمس را واجب نمی دانسته اند ، و حتی روایاتی هستند که خمس را برای شیعیان در دوران غیبت مباح کرده ، البته در اسلام چیزی بنام خمس و حق امام نداریم و خمس تنها مربوط به غنائم

جنگی است ، ولی آخوندها همین روایات خودشان را نیز کتمان می کنند ، چون باعث خالی شدن جیب و بسته شدن دکان شان می شود.

- و در انتها و بطور کلی کدام آخوند مردم و عوام را با آیات قرآن آشنا می کند، اینقدر که به مفاتیح الجنان اهمیت می دهند به قرآن اهمیت نمی دهند ، و اینقدر که به کربلا و نجف اهمیت می ده ند به مکه و کعبه اهمیت نمی دهند . اینها چنانچه به سراغ قرآن هم بروند ، می آیند و آیات آنرا تفسیر و تاویل می کنند و با زور حدیث و روایت ، تمامی آیات را در مدح و ستایش علی می دانند ی ا در خصوص امام زمان!! پس با این کار خود باعث کتمان حقایق قرآنی و الهی می شوند.

البته علت این امر روشن است ، چون اگر مردم با قرآن آشنا شوند در نتیجه با دین اسلام آشنا شده اند و در نتیجه به روبه صفتی آخوندها پی می برند و هیچ چیز برای آخوندها از این خطرناکتر نیست ، چون باعث می شود دکانشان بسته شود و حتی حکومت و قدرتی که دارن د به خطر می افتد و دیگر نائب امام زمان نمی تواند تا ابد حکومت کند و از آنطرف مردم را به سر چاه همکران بفرستد تا برای فرج آقا امام زمان دعا کنند!!

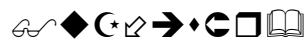
10- وجود انواع خرافات و بدعتها در میان مسیحیان و یهودیان که البته در این مورد روافض روی دست دیگران را زده اند و خرافات بسیاری در کتب علمای خرافی ایشان وجود دارد ، علمایی چون مروج الخرافات و حارس البدع مجلسی که اتفاقاً در محله یهودی نشین اصفهان می زیسته است.

لازم به تذکر است که اهل کتاب و به خصوص یهودیان و همینطور یهودیان تازه مسلمان ، در شکل گیری عقایدی چون خلافت بلافصل علی از جانب خدا ، نقش موثری داشته اند و کسانی چون ابن سباء یهودی نمونه ای از آن هستند . بطور کل روبه صفتان و کسانی که دروغ خلافت الهی علی را مطرح کردند با یک تیر، چهار نشان زدند:

- 1 - ایجاد تفرقه در امت اسلامی
- 2 - دروغ بستن به خدا و پیامبر و ایجاد شک
- 3 - سب و لعن اصحاب پیامبر ص و اعلام اینکه مرتد بوده اند.
- 4 - زیر سوال بردن بقیه مواردی که از سوی اصحاب به عنوان سنت مطرح می شد.

تقليد يا تحقيق؟

[illegible]



«و گویند : ای پروردگار ما ، اطاعت امر بزرگان و پیشوایان خود را کردیم که ما را به راه ضلالت کشیدند».

خاتمه

در پایان امیدواریم خواننده گرامی تا حدودی با چهره واقعی آخوندها آشنا شده باشد، و به راحتی هر سخنی را از ایشان نپذیرد.

خواننده گرامی بداند که روش تحقیق در این نیست که برای پرسش تنها نزد روحانی محله برود، چون بطور حتم این روحانی جوابی مخالف با عقاید شیعه به او نمی دهد و تازه با این اوصافی که ما از آخوندها بیان کردیم، اعتماد به سخنان ایشان کمتر می شود
شعر زیر چهره روبه صفتان را بهتر نشان می دهد:

آخوند

خسته شد ملت از حال آخوند	از تمامی اعمال
آخوند	
مسخ شد آیه های خدا از	آن احادیث پر قال
آخوند	
سال گرگ است تقویم امسال	یا به دیگر زبان
سال آخوند	
عین کفر است اقوال این مست	عین شرک است افعال
آخوند	
تو برو کار کن ای برادر	خمس مالت شود مال
آخوند	
جور بی حالیش را کشیدند	آن مریدان فعال
آخوند	
ای بسیجی به روز قیامت	زیر باری و حمال
آخوند	
پاک کن ای خدا کشورم را	از تمامی عمال
آخوند	
کل دریای مازندران رفت	از زد و بند و
اهمال آخوند	
کی شود پر ندانم از این نفت	آن شکمهای
چون وال آخوند	
حد پایان ندارد بدانید	آرزوها و امیال
آخوند	
ملت شیر و خورشید افتاد	مثل بره به چنگال
آخوند	
حرف حق را نگردد پذیرا	آن سر بی مخ و کال
آخوند	
جز دروغ و خرافه نبینی	تا که وا می شود
غال آخوند	

در جدال است با اهل سنت ذهن بیمار و دجال
 آخوند
 بی گمان حرف حق و شجاعت بشکند یال و کوپال
 آخوند
 حال ما را گرفت این تبهکار پس بگیریم ما
 حال آخوند
 زرق و مکر و فریب و ریا بود تا به حافظ زدم
 فال آخوند
 ذهن شیطان دون هم ندانست تا کجاست آمال
 آخوند
 جیب من، جیب تو، کی گشادست مال من ، مال
 تو، مال آخوند
 زیر روسیه و چین شده پهن پاچه خواری و
 دستمال آخوند
 در قیامت ببینی که شیطان بر صراط است حمال
 آخوند
 با نوکش بیضه دین شکسته جای آن بر پر و
 بال آخوند
 توبه و عذر خواهی نبینی زان زبان به حق لال
 آخوند
 شانس دارد عجیب این تبهکار بس بلند است اقبال
 آخوند
 دیدم ابلیس هنگام چینش در کفش داشت غربال
 آخوند
 رفت اسلام از کشور ما تا وطن گشت اشغال
 آخوند
 نیست در ذات اسلام عیبی هست اشکال، اشکال
 آخوند
 کی رها می شود ای خداوند ملت ما ز چنگال
 آخوند¹

- پس با این توضیحاتی که داده شد ، مراقب آخوندها
 باشید و فریب ایشان را نخورید و به راه ایشان نروید ،
 چون هرکس دوستدار آخوند صفوی باشد و به دنبال او حرکت
 کند و سخنان او را گوش کند، دچار موارد زیر خواهد شد:
 1 -دوری و بی خبری از قرآن و سنت پیامبر اکرم ص.
 2 -دشمن شدن با مسلمین جهان و عاملی برای ایجاد تفرقه
 در امت اسلامی.
 3 -بغض و کینه یاران پیامبر ص را به دل گرفتن.

¹ اشعار از علیرضا حسینی

4 - دچار انواع خرافات شدن و فردی خرافه زده و احمق شدن.

5 - دچار شرک و پرستش غیر خدا شدن که عاقبتی جز جهنم ندارد.

6 - مقلد شدن و گوسفند صفت بار آمدن ، بطوریکه قوه تعقل و تدبر از بین می رود و شخص مقلد هر سخنی را از آخوند قبول می کند.

7 - تبدیل به وسیله ای برای تحقق مقاصد و اهداف آخوندها.

8 - از جهان و مردم آن منزوی شدن.

9 - نشستن در انتظاری بیهوده برای آمدن یک منجی تا مشکلات را حل کند و البته انتظاری که به مرگ ختم می شود.

برای تحقیق می بایست خودتان تلاش کنید و قرآن را بدون تعصبات مذهبی بخوانید.

همینطور کتب مذاهب مختلف را ، از اهل سنت گرفته تا بقیه مکاتب اسلامی.

کسی که بخواهد برای تحقیق در دین اسلام ، فقط و فقط به کتب شیعه رجوع کند، در انتها موفق نمی شود.

لازم به تذکر است که کتب علمای شیعه ، همینطوری هم دارای خرافات و بدعت است ، چه برسد به اینکه خود این علما نیز بخواهند روبه صفتی کنند و در مورد همین عقاید اشتباه ، حقه بازی و دورویی هم به خرج دهند ، با این حساب تکلیف چنین مذهبی روشن است، و پیروانش وضع خوبی نخواهند داشت.

به امید روزی که مردم نادان و دشمنان تحقیق و کسانی که پرده جهل و تعصب جلوی دیده گانشان را گرفته ، کمی به خود آیند و زمام دین و عقل و دنیا و آخرت خویش را به دست آخوندها نسپارند، ان شاء الله.

پایان

زمستان 1387 هجری شمسی